

روابط ایران و روسیه پس از جنگ سرد

مؤسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر^۱

این مقاله با هدف بررسی روابط تهران و مسکو در دو دهه کنونی و نگاه دو دولت به یکدیگر، همکاری‌های آنها را در عرصه‌های اقتصادی، فنی، نظامی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سرانجام، سفر پوتین به تهران به عنوان نقطه اوج تعاملات می‌پردازد. مطالب مورد مطالعه این نوشته نشان می‌دهد که روابط دو دولت ایران و روسیه در دوره پسا همسایگی، به دلیل درک دو طرف از وضعیت ژئوپلتیک نوین و نیز مجموعه‌ای از نیازهای داخلی متقابل و فشارهای ناشی از نظام بین‌المللی، بستر مناسبی برای همکاری پیدا کرده، اما هنوز بخاطر ذهنیت‌های تاریخی و ناکارآمدی‌های بوروکراتیک، آنچنان که شایسته است، گسترش نیافته است.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، همکاری‌های اقتصادی، روابط سیاسی، آسیای مرکزی، قفقاز، دریای خزر.

مقدمه

ایران و روسیه بیش از هزار سال است که با یکدیگر ارتباط داشته، البته این روابط تا زمان صفویه بیشتر اجتماعی و تجاری بوده است؛ ولی به تدریج شکل سیاسی و نظامی به خود گرفت و در دوره قاجار دو کشور "موقعیت همسایگی" پیدا کرده و دوره‌ای از جنگ و تهدید میان آنها پدید آمد که روسیه را برای دو سده به مهم‌ترین عنصر در حیات سیاسی بین‌المللی ایران درآورد. با وجود روابط مسالمت آمیز دو کشور در دوره‌های مختلف، فضای عمومی این تعاملات، بر عنصر تهدید زایی روسیه، آسیب‌پذیری ایران و جستجوی یک قدرت سوم برای ایجاد توازن استوار بود. دو پدیده انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷) و فروپاشی اتحاد جماهیر

۱ این مقاله برگرفته از پروژه تحقیقاتی منعقد بین دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و مؤسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر می‌باشد.

شوروی (۱۳۷۰)، با دگرگونی اساسی دو کشور و بویژه خروج از موقعیت همسایگی و دور شدن روسیه از مرزهای ایران تا آن سوی کوه‌های قفقاز شمالی، شرایطی را پدید آورد که از برخی جهات با دوران پیش از قاجار قابل مقایسه است.

بر این اساس روس‌ها در کرانه‌های خلیج فارس به ساختن نیروگاه هسته‌ای برای ایران سرگرم شدند؛ امری که در "موقعیت همسایگی" دو کشور برای هیچ کدام قابل پذیرش نبود. از سوی دیگر، پس از فروپاشی شوروی، منطقه حایل میان دو کشور از قفقاز تا آسیای مرکزی شامل سرزمین‌هایی است که تا سده‌ها در قلمرو سیاسی و فرهنگی ایران بوده و بخاطر مسلمان بودن، طبعاً بایستی از امواج انقلاب اسلامی تاثیر می‌پذیرفت و این سرزمین‌ها در دکترین امنیت ملی و نظامی روسیه به عنوان "خارج نزدیک"، در شمار حیاط خلوت و حوزه منافع حیاتی مسکو قرار دارند. اما دو کشور ایران و روسیه برخلاف پندارهای نخستین، با تاکید بر سیاست‌های عمل‌گرایانه رویاروی هم قرار نگرفته‌اند.

در حقیقت، ایران دوره انقلاب اسلامی و در زیر فشارهای غرب با روسیه‌ی پس از شوروی و در حال عقب نشینی از مرزهای اروپایی، در موضوعات و حوزه‌های گوناگونی از افغانستان، آسیای مرکزی، خزر و قفقاز تا یک جنبه‌گرایی امریکایی در عرصه‌های مختلف سیاسی اشتراکات و پیوندهایی پیدا کرده‌اند که برای تحلیل آن از واژگانی چون "اتحاد استراتژیک"، "همکاری استراتژیک"، "همکاری مهم" یا "همکاری تاکتیکی یا موقت" استفاده می‌شود. اما واقعیت چیست و روابط دو کشور در دو دهه اخیر چه مسیری را پیموده و به کجا رسیده است؛ چه مسائل و موضوعاتی در این روابط مطرح بوده و چه ظرفیت‌هایی وجود دارد؟ در این پژوهش، کوشش شده است تا برای این پرسش‌ها، پاسخ‌هایی درخور پیدا گردد.

سخن اصلی و مورد ادعای این نوشته آن است که "شرایط و نیازهای داخلی دو کشور و تهدید مشترک موجود برای دو دولت در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، در بستر عنصر ژئوپلیتیک (دوری بجای همسایگی) که مناطقی حایل و مشترک را در آسیای مرکزی، قفقاز و خزر ایجاد کرده است، دوره‌ای از همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی را پدیدار ساخته است که هنوز هم ظرفیت‌های مهمی برای گسترش دارد."

۱- نگاه دو دولت به یکدیگر

در سند «تدبیر سیاست خارجی روسیه» که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد، اولویت‌های سیاست خارجی روسیه به ترتیب تضمین همکاری دوجانبه و چند جانبه با کشورهای جدا شده از شوروی؛ روابط با دولت‌های اروپایی برای ایجاد یک نظام امنیتی با ثبات و دموکراتیک؛ روابط با آمریکا؛ روابط با کشورهای آسیایی شامل چین، ژاپن، هند، پاکستان و روابط بیشتر با ایران؛ روابط با کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس؛ روابط با کشورهای آفریقایی؛ روابط با کشورهای آمریکای لاتین آمده است. نکته جالب این است که در سندی که با عنوان " بررسی سیاست خارجی روسیه " در سال ۲۰۰۷ می باشد این اولویت بندی همچنان محفوظ مانده است.

در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تحولی در تعاملات امنیتی روسیه و آمریکا روی داد که شاهد تأثیراتی از این تحول بر جمهوری اسلامی ایران بوده‌ایم. در این رابطه می توان به تأکید آشکار روس‌ها بر غیر عملی بودن راه حل جمهوری اسلامی ایران برای دریای خزر، انجام رزمایش در دریای خزر با وجود تأکیدی که جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های متوالی بر غیر نظامی ماندن آن کرده بود و تداوم و تحکیم توافق‌های دو جانبه و قرار دادن ایران در برابر عمل انجام شده، اشاره کرد.

در واقع، هرگاه روسیه به غرب نزدیک‌تر شود، طبعاً بر روابط آن کشور با سایر دولت‌ها و از جمله ایران تأثیر خواهد گذاشت. بدنبال چنین واقعیتی، عوامل مختلفی نظیر اهمیت استراتژیک، نیازها و مبادلات اقتصادی، پرستیژ و اعتبار بین‌المللی قرار دارند. اما از سال ۲۰۰۳ که روابط روسیه و غرب بار دیگر تیره گردید، ایران جایگاه مناسب‌تری در سیاست خارجی روسیه پیدا کرد. مجموعه اظهارنظرهای برخی مقامات و صاحب‌نظران روسی در مورد اهمیت روابط با ایران نشان‌دهنده این جایگاه است.

از نگاه ایگور ایوانوف وزیر خارجه سابق و دبیر شورای امنیت روسیه ایران یک شریک مهم روسیه در آسیای میانه است و نفوذ و اقتدار تهران بطور گسترده‌ای در جهان اسلام پذیرفته شده است. روابط ایران و روسیه بطور کلی به وسیله حسن نیت مقامات دو کشور تقویت می‌شود. دو دولت دیدگاه‌های مشترکی برای حل بسیاری از مشکلات منطقه ای و جهانی دارند. گسترش موفقیت آمیز همکاری‌ها به سیاست‌های منطقه‌ای کمک می کند. تاجیکستان و افغانستان دو نمونه از همکاری‌های موفق ایران و روسیه هستند. همکاری سیاسی موثر دو کشور به وسیله

فرصت‌های جدید برای همکاری‌های سودمند تجاری و اقتصادی پشتیبانی می‌شود که پروژه‌های صنعتی حمل و نقل و انرژی از آن جمله‌اند. (Ivanof, 2002: 126)

ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه ضمن تاکید بر اهمیت زیاد ایران برای روسیه، می‌گوید: «دو کشور می‌توانند نه تنها در روابط دو جانبه بلکه در زمینه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بحث و گفتگو کنند. ایران نقش بسیار مهمی در آسیای مرکزی و خاورمیانه دارد. غرب با بهانه قرار دادن فعالیت هسته‌ای ایران سعی کرده است روسیه را از بازارهای پر سود بیرون کند. همکاری هسته‌ای با ایران مشروط به همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای است.» (روزنامه نوروژ، ۱۷ فروردین ۱۳۸۱: ۵) او همچنین اعتقاد دارد، روسیه با همه کشورها همکاری می‌کند و با آمریکا برای ایجاد یک جهان امن همکاری می‌کند، اما این به معنای همکاری علیه کشور دیگری نیست، «ما نمی‌خواهیم در هیچ اتحاد و ائتلاف مقدسی وارد شویم. (<http://kremlin.ru>) جهان به سوی منازعات میان تمدن‌ها پیش می‌رود و منازعات زیادتر می‌شود، اما روسیه نمی‌خواهد در هیچ طرفی قرار گیرد. پوتین در آخرین نظرها، ایران را یک شریک مهم برای روسیه دانسته است (www.iran.ir).

روسیه امروز در سال ۲۰۰۸ نسبت به اوایل دهه ۱۹۹۰، از شکوفایی، ثبات، آرامش و اقتداری به مراتب بیشتر برخوردار است؛ بطوری که بسیاری از تحلیل‌گران، آن را یک قدرت بزرگ احیاء شده می‌دانند و معتقدند سیاست خارجی آن نیز از استقلال عمل کاملی برخوردار است. روسیه امروز در فشارهای روانی، سیاسی و نظامی آمریکا و اتحادیه اروپا، به کشورهای مستقل جهان اهمیت بیشتری می‌دهد و در این راستا سیاست فعالی را در خاورمیانه دنبال می‌کند؛ در این میان ایران از جایگاه و اهمیت مناسبی برخوردار است، اما این جایگاه در سیاست خارجی روسیه را باید با توجه به واقعیت‌ها و الویت‌های موضوعی و منطقه‌ای سیاست خارجی روسیه درک کرد.

در روابط ایران و روسیه می‌توان الگوهایی نسبتاً ثابتی را پیدا کرد؛ هرگاه دولت ایران قدرتمند بوده است، با هر ماهیتی و حکومتی، روس‌ها روابط خوبی با آن داشته‌اند و هرگاه دولت ایران ضعیف بوده، روس‌ها تردیدی در بهره‌برداری از وضعیت داخلی ایران به خود راه نداده‌اند. هرگاه دولت روس ضعیف بوده، بیشتر تمایل به همکاری با ایران بوده، زمانی که منافع روسیه اقتضاء می‌کرده است، آنها در ساخت و پاخت با غرب به زیان ایران تردیدی به خود راه نداده‌اند. (سجادپور، ۱۳۷۹)

از نگاه روسیه، همکاری با ایران بیش از کسب درآمد برای منابع هسته ای روسیه اهمیت دارد و مسائلی از قبیل چچن و توجه به موقعیت ایران در خلیج فارس برای فشار بر آمریکا نیز مهم هستند. همچنین حضور مشاوران نظامی روس در ایران و اعزام نظامیان ایرانی به روسیه برای آموزش‌های گوناگون اهمیت دارد. برای رهبران روسیه، ایران کشوری است که می‌تواند در تنظیم روابط خاورمیانه‌ای روسیه نقش مثبت بازی کند. عدم حل و فصل مسائل بهره برداری از دریای مازندران سایه‌های سنگین بر روابط رو به گسترش دو کشور افکنده که در شرایط عدم تأمین منافع ایران، ابعاد سیاسی این روابط را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به دلیل تعامل پیچیده روسیه با غرب، مسکو هیچ‌گاه به خاطر ایران در برابر اروپا و آمریکا نمی‌ایستد؛ چون پیوندها و منافع آنها آنقدر درهم تنیده است که با وجود اختلاف نظرها و تفاوت‌ها، روسیه در برابر آنها نمی‌ایستد. (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

به هر حال، در چهارصد سال گذشته مناسبات میان دو کشور، هیچ‌گاه به این خوبی نبوده است و ایران به روسیه به عنوان رقیب نگاه نمی‌کند. اگر روسیه در زمینه امنیتی و به ویژه اقتصادی پاسخ‌های صریحی بدهد دو طرف می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. این احساس ایجاد شده که روسیه تمایل ندارد با ما همکاری کند. روابط ایران و روسیه مورد حساسیت قدرت‌های بزرگ است، اما با محدودیت‌های تاریخی، جغرافیایی و فنی روبرو می‌باشد. بهر حال روسیه یکی از کشورهای مهم نظام نظم بین الملل است که به لحاظ جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی برای ایران اهمیت دارد. تسریع در اجرای طرح‌های تقویت صنایع و ناوگان دریایی جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر و به ویژه در بخش نفت و گاز از جمله این اقدامات است که می‌بایست با ملاحظات سیاسی - امنیتی و نه صرفاً اقتصادی مدنظر قرار گیرد. (صفری، ماهنامه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۹۲: ۷-۲۶)

۲- همکاری‌های دو کشور در دوره جدید

روابط نوین ایران و روسیه از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ و خروج نیروهای شوروی از افغانستان با سفر آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت مجلس شورای اسلامی به مسکو در سال ۱۳۶۸ و امضای قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری همکاری‌های اقتصادی و فنی دو کشور آغاز شد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه جدید و دولت سازندگی این روابط را حفظ کرده و بتدریج گسترش دادند. بازدید مقامات دو کشور در سطح وزرا (وزرای

خارج، دفاع و دبیران شورای امنیت) ادامه یافت. با وجود برخی موانع و مشکلات، اما عنصر ژئوپلیتیک و دور شدن روسیه از مرزهای ایران و کاهش عنصر تهدید برای تهران در کنار پیدایش یک منطقه حایل و مشترک که اینک در معرض حضور و نفوذ طرف‌های سوم قرار گرفته بود، شرایطی را پدید آورد که منافع دو کشور را به هم پیوند زد.

ملاقات سران دو کشور در نیویورک در سال ۲۰۰۰ کمک کرد تا وضعیت جدیدی پدید آید و روابط نزدیک روسیه و ایران در جایگاه ثابت و قانونی خود قرار گیرد و سپس در زمانی که رئیس جمهوری ایران محمد خاتمی در سال ۲۰۰۱ از روسیه دیدن نمود و توافقنامه همکاری‌های اساسی با ولادیمیر پوتین را به امضاء رساند، تقویت گردد. این دیدار موجب شد روابط دو طرف برای دهه بعدی بطور جدی تر تداوم یابد و با سفر پوتین به تهران در سال ۲۰۰۷ به اوج خود برسد.

عوامل متعددی نظیر: نزدیکی جغرافیایی، درک منافع مشترک در حوزه‌های مهم منطقه‌ای، انزوای سیاسی نسبی دو کشور و درک متقابل نیاز به مخالفت با حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ در حوزه‌های پیرامونی دو کشور در ترویج و تشویق همکاری‌ها تاثیر داشتند. از نظر ایران، روابط با روسیه می‌تواند موازنه دهنده موضع ایران در مسائل بین‌المللی بویژه در مقابل غرب و باز دارنده سایر قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ترکیه و پاکستان باشد و تلاش‌های آنها را برای حذف نقش ایران در منطقه ناکام گذارد. اما برای مسکو از این جهت اهمیت دارد که به توسعه نفوذ آن در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، بویژه در خلیج فارس و خاورمیانه کمک می‌کند و این نشانه استقلال عمل دولت روسیه در مسائل بین‌المللی است و از این جهت مصرف داخلی مهمی دارد و حل مشکلات روسیه در سطح داخلی و منطقه‌ای بویژه در مساله اسلام‌گرایی و خزر کمک می‌کند. روابط دو کشور را می‌توان در دو دهه گذشته به سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم نمود و به بررسی آنها پرداخت.

الف- همکاری‌های اقتصادی

همکاری‌های اقتصادی دو کشور در دو دهه اخیر در زمینه‌های تجارت، انرژی، نیروگاه هسته‌ای و حمل و نقل در جریان بوده، به شکل روزافزونی ادامه دارد و چشم انداز روشن تری را برای آینده ترسیم خواهد کرد که در اینجا به بررسی آنها می‌پردازیم.

مبادلات بازرگانی

در زمینه بازرگانی، حجم مبادلات دو کشور ایران و شوروی در سال ۱۹۹۱ (اندک زمانی پیش از فروپاشی شوروی)، حدود یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار بود. اما با فروپاشی شوروی و در سال‌های نخست که غرب گرایان در مسکو نفوذ زیادی داشتند، روابط دو کشور کاهش یافت. از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵، این میزان از ۷۲۳ میلیون دلار به ۲۰۰ میلیون دلار کاهش یافت. (Shaffer, 2001: 59-60) در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) در راستای توسعه روابط، هیأتی روسی برای مذاکره با همتایان ایرانی خود وارد تهران شد. آرکادی ولسکی رئیس این هیأت، اشتراک منافع دو کشور را در توسعه همکاری‌های صنعتی و فنی با توجه به تجارب پیشین دو کشور اعلام کرد. هدف از این سفر توسعه همه جانبه روابط فنی و صنعتی دو کشور با توجه به نیازهای ایران و توانایی‌های روسیه اعلام گردید. در پی توافق روسیه و ایران برای تقویت همکاری‌های فنی و اقتصادی، مبادلات دو کشور افزایش یافت (کولایی، ۱۳۷۸: ۲۹۹).

آذر ماه سال ۱۳۷۵، کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی دو کشور برای اولین بار در مسکو تشکیل شد. در این کمیسیون موضوعات فی ما بین در قالب پنج کمیته اقتصادی و تجاری، صنعت برق، حمل و نقل، ارتباطات و هماهنگی فعالیت‌ها، بررسی گردید. عمده‌ترین موافقتنامه‌ها در زمینه همکاری تجاری و اقتصادی بود. براساس یادداشت تفاهم امضاء شده، قرار شد دو کشور در زمینه صنعت و معدن، ماشین سازی، انرژی اتمی، پست و مخابرات، مترو، کشتیرانی و راه آهن همکاری نمایند. همچنین توافق گردید تا ایران و روسیه به منظور افزایش امکانات حمل بار دریای خزر و بالا بردن حجم مبادلات کالا میان دو کشور، یک شرکت مشترک کشتیرانی تشکیل شود. از سوی دیگر ایران و روسیه در راستای فراهم کردن امکانات مخابرات در منطقه، طرح اتصال مخابراتی مسکو - بندرعباس (موسوم به شمال - جنوب) را به اجرا در خواهند آورد. (میزگرد همکاری‌های ایران و روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۲: ۲۶۲)

در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶)، ارزش روابط دو کشور به ۴۰۰، در سال ۱۳۷۶ به ۴۵۰ و در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ از مرز ۵۰۰ میلیون دلار گذشت. حجم مبادلات دو کشور در سال ۲۰۰۰ حدود ۷۰۰ میلیون دلار بود و در سال ۲۰۰۱ از مرز یک میلیارد دلار فراتر رفت. اما بیشتر این مبادلات به واردات ایران از روسیه اختصاص داشته، بطوری که در سال ۱۹۹۸، واردات روسیه از ایران، ۷۰ میلیون دلار بوده است (Shaffer, 2001: 60) و این نشان می‌دهد که تا چه اندازه ایران تراز پرداخت منفی داشته است.

صادرات اساسی روسیه به ایران همچنان شامل فرآورده‌های ذوب آهن مانند آهن نورد شده و قطعات نیمه ساخته فولادی، لوله‌های بی‌درز و قطعات دیگر است. در سال ۱۹۹۹، بهای این بخش صادرات روسی معادل ۱۴۷ میلیون دلار بود. در مقام دوم، تجهیزات برای انرژی اتمی (۴۷ میلیون دلار)، در جای سوم وسایل شناور، از جمله اسکله‌ها و سکوها شناور (۴۰ میلیون دلار) و در مقام چهارم کاغذ و مقوا (۲۶ میلیون دلار) قرار دارند. (میزگرد همکاری‌های ایران و روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۲: ۲۶۲)

ایران به روسیه میوه، پسته، فرآورده‌هایی از میوه‌ها و سبزیجات، توتون و سنگ‌های معدنی صادر می‌کند. در سال ۱۹۹۹ واردات وسایل نقلیه زمینی از ایران تا ۱۸ میلیون دلار کاهش یافت؛ در حالی که در سال‌های قبل، این بخش واردات روسیه از ایران حتی تا ۱۳۳ میلیون دلار می‌رسید. روابط اقتصادی دو کشور از سال ۲۰۰۰ و پس از روی کار آمدن پوتین، سفر خاتمی به مسکو و قرارداد همکاری‌های ده ساله دو کشور بیش از گذشته گسترش یافت؛ بطوری که در سال ۲۰۰۵ روسیه به هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد و ۵/۳۳ درصد از کل کالاهای صادراتی به ایران را تامین کرد. در سه ماه اول سال ۲۰۰۷ نیز ارزش تجارت دو کشور معادل ۲/۲۹۴ میلیارد دلار بود. در این سال‌ها، بیشترین سهم از کالاهای وارداتی ایران از روسیه، تسلیحات و سپس فولاد، آهن آلات و چوب بود. صادرات ایران به روسیه نیز بویژه در سالهای ۲۰۰۶ و پس از آن، خودرو، قطعات یدکی خودرو و مواد غذایی بوده است؛ بطوری که سالیانه حدود ۱۲۰۰ دستگاه خودرو سمند به روسیه صادر می‌شود و طرف روسی خواستار ۲۵۰۰ دستگاه در سال است. در سال‌های اخیر، همچنین، جمهوری اسلامی ایران به تولید مونتاژ و مشترک هواپیماهای روسی روی آورده و قراردادهایی را امضاء کرده است. در مجموع، حجم واردات ایران از روسیه طی سال‌های ۸۴-۱۳۸۰، بیش از ۱/۵ میلیارد دلار در سال بوده و در سال ۲۰۰۷ به حدود ۳ میلیارد دلار رسیده است.

هفتمین کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی دو کشور در آذر ماه ۱۳۸۶ در مسکو تشکیل شد و روس‌ها ابراز تمایل کردند که در صنایع پتروشیمی ایران سرمایه‌گذاری نمایند و پروتکلی نیز در مورد همکاری در زمینه انرژی، صنعت، حمل و نقل، تجارت و استاندارد بین دو کشور امضاء گردید. در حال حاضر طرح‌هایی در حوزه مهندسی هوا و فضا و ساخت هواپیما و هلیکوپتر در میان دو طرف امضاء شده است. به گزارش خبرگزاری ریانووستی، در اسفند ۱۳۸۶ نیز قرارداد خرید و مونتاژ هواپیماهای "توپولوف ۲۰۴ و ۲۱۴

میان مسئولان دو کشور امضاء شده و طبق آن، ایران برای ده سال آینده، یکصد فروند هواپیما به ارزش ۲/۵ میلیارد دلار خریداری خواهد کرد. رئیس اداره دوم آسیای وزارت امور خارجه روسیه از احتمال اجرای طرح‌های مشترک دو کشور به ارزش ۲۰ میلیارد دلار خبر داد که بیشتر مربوط به هواپیما سازی، نفت و گاز و انرژی هستند. (www.irma.ir)

همکاری در زمینه انرژی

در بخش انرژی، ایران و روسیه، در زمینه نفت، گاز و انرژی هسته‌ای (برای مصارف نیروگاهی) و برق همکاری داشته‌اند. روسیه و ایران با دارا بودن تقریبی ۲۰ و ۵۰ درصد منابع اثبات شده نفت و گاز جهان، درصدد تنظیم سیاست‌های تولید و صادرات خود می‌باشند که به طور بالقوه بر قیمت و عرضه این منابع در بازار جهانی تاثیر می‌گذارد. با توجه به دغدغه‌های امنیت عرضه انرژی در میان کشورهای وارد کننده انرژی، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. زمینه‌های همکاری در زمینه انرژی توسط دو کشور با آگاهی رو به رشد بین المللی از ذخایر عظیم هیدروکربنی دو کشور مصادف شده است. یکی از خصیصه‌های تعامل روسیه با ایران در زمینه انرژی، گسترش منافع این کشور در دو منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه و دریای خزر است که ایران در این مناطق واقع شده است. برخی تخمین‌های محافظه کارانه موید این مطلب است که روسیه امروزه ۴۸ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی (در حدود ۳۰٪ کل ذخایر جهان) را دارا است. از سوی دیگر روسیه در حدود ۷۵ بیلیون بشکه یا تقریباً ۸٪ منابع نفت جهان را دربردارد و اما ایران دارای ۲۷ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز و یا در حدود ۱۷٪ کل ذخایر گاز جهان است. ذخایر نفت ایران ۱۳۸ بیلیون بشکه و یا ۱۲٪ کل ذخایر جهان برآورد شده است.

روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی در حال تکامل و دربرگیری رقابت، هم پوشانی و اشتراک است که با ملاحظات خاص استراتژیکی و ژئوپلیتیکی، هر دو طرف می‌توانند از آن به نفع خود سود برند. هر دو کشور از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده نفت جهان هستند اما دارای اهداف و موقعیت‌های بعضاً واگرا می‌باشند. از منظر دیگر، روسیه عضو اوپک نیست و به این ترتیب از دو سو نفع می‌برد: یکی اینکه محدود به سقف تولید معینی نیست و دیگر اینکه از ثبات قیمتی تعیین شده اوپک، ذی نفع می‌باشد. اما با نگاهی به وضعیت ایران در می‌یابیم که ایران از سویی هم مقید به رعایت سقف تولید اوپک است و هم از سویی با نیاز

مبرم برای تولید بیشتر نفت، نه تنها به علل اقتصادی بلکه به علل فنی و تکنیکی روبرو می‌باشد. به هر حال این حقیقتی غیرقابل انکار است که ذخایر انرژی روسیه و ایران چه به طور جداگانه و چه با هم برای عرضه آتی انرژی در سطح جهان مهم می‌باشد. یکی از عوامل تاثیرگذار بر روابط میان این کشور، تحریم‌های امریکا است که به طور ناخواسته موجب ایجاد روابط نزدیک تر میان روسیه و ایران شده است. هر دو کشور خواهان آن هستند تا مواضع و سیاست خارجی مستقل خود را در قبال امریکا ابراز نمایند و بنابراین علی رغم ماهیت چند بعدی و مبهم روابط ایران و روسیه، اکنون زمانی مساعد پیش آمده تا هر دو کشور به منافع مطلوبی دست یابند.

برای تمام کشورها عرصه صنایع نفت یکی از اولویت‌های همکاری اقتصادی با ایران محسوب می‌شود. این فعالیت هم شامل همکاری‌ها در چارچوب اجلاس کشورهای صادر کننده گاز و هم طرح‌های مشخص سرمایه گذاری می‌باشد.

به طور مشخص، مرحله مهم همکاری بین دو کشور از سال ۱۹۹۹ شروع شد و کمپانی «گازپروم» در میدان گازی ایرانی «پارس جنوبی» ۱۱۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرد و فاز دوم نیروگاه «شهید منتظری» که با مشارکت کمپانی «تخنوپروما اکسپورت» ساخته شد، راه‌اندازی گردید. موافقت‌نامه‌های دولتی درباره همکاری علمی- فنی و ارتباطات هوایی نیز به امضا رسیدند. همکاری بین دو کشور در زمینه نفت و گاز از دورنمای خوبی برخوردار است. هر چند که ایران دومین ذخایر بزرگ گاز جهان بعد از روسیه را دارا می‌باشد، طرف روسی در زمینه استخراج و انتقال گاز از امتیازات معینی برخوردار است و حاضر است با ایران تبادل تجربه به عمل آورد. روسیه در عملیات در میدان گازی «پارس جنوبی» در خلیج فارس و ساخت خط لوله انتقال گاز عسلویه شرکت می‌کند و حاضر است در ساخت خطوط لوله دیگر نیز مشارکت کند. همکاری بین دو کشور در عرصه نفتی نیز توسعه می‌یابد. بزرگ‌ترین کمپانی‌های نفتی روسیه مانند لاکویل، یوکوس، سلاونفت، تات‌نفت و زاروبژنفت به مشارکت در توسعه صنایع نفت ایران علاقمند هستند. روسیه و ایران در بازار جهانی نفت سهم تقریباً برابری دارند. ایران هر ساله بیش از ۱۰۰ میلیون تن نفت صادر می‌کند و روسیه حدود ۱۲۰ میلیون تن. روسیه به همکاری با ایران به عنوان عضو سازمان اوپک هم علاقه‌مند است. از جمله، روسیه از مواضع سنجیده ایران در اجلاس‌های

اوپک استقبال می‌کند. (سامانی، "ایران - روسیه: زمینه‌های امتناع و امکان همکاری‌های نفت و گاز"، میزگرد همکاری انرژی ایران و روسیه در مرکز مطالعات بین‌المللی انرژی، ۲۸ بهمن ۱۳۸۶) در واقع، شرکت روسی گازپروم در ترکیب کنسرسیومی به همراه شرکت مالزیایی "پتروناس" و شرکت فرانسوی "توتال" ضمن شکستن تحریم آی.ال.اس.آی عملیات بهره‌برداری از فازهای دو و سه گاز "پارس جنوبی" را به اتمام رساندند. سهم "گازپروم" در این طرح دو میلیارد دلار می‌باشد که ۳۰٪ را تشکیل می‌دهد. کنسرسیوم پالایشگاه گاز عسلویه، خطوط لوله گاز به طول ۱۱۰ کیلومتر با ۲ سکوی حفاری را ساخته است. شراکت گازپروم در اجرای پروژه ساخت خطوط لوله کشی گاز ایران - پاکستان - هندوستان جدی به نظر می‌رسد. شرکت روسی "تات نفت" در سال ۲۰۰۵ با بنیاد مستضعفان در منطقه آزاد کیش شرکت مشترکی ثبت نمود. قبل از این، شرکت "تات نفت" در کیش یک شرکت ایرانی - روسی تأسیس نموده بود که قرارداد تحقیقات زلزله خیزی محل استخراج "موند" را دریافت و تجهیزات فن آوری (جهت محل استخراج و نصب تجهیزات محلی چاه‌ها) را تأمین کرد. به منظور تثبیت در بازار ایران شرکت روسی "لوک اوپل" ۲۵٪ از سهام پروژه اکتشاف "اناران" را از شرکت نروژی "نورسک هیدرو" خریداری کرد. ایران مایل است که شرکت لوک اوپل در عملیات اکتشافی چندین بلوک در مرز با جمهوری آذربایجان شراکت داشته باشد. فعلاً شرکت روسیه آماده است که فقط به عنوان اپراتور وارد جریان گردد. شایان ذکر است که بسیاری از شرکت‌های روسی نتوانسته‌اند قراردادهایی دریافت کنند زیرا در مناقصه‌ها بازنده شده‌اند؛ علت اصلی این مورد شرایط تخصیص اعتبار می‌باشد. اما شراکت آنها در این مزایده‌ها و همچنین این مورد که در مزایده‌ها نه فقط شرکت‌های بزرگ بلکه شرکت‌های نسبتاً کوچک‌تر نیز شراکت داشته‌اند، نشان می‌دهد که توجه سرمایه‌های روسی به بازار ایران روز به روز افزایش می‌یابد. (مامدوا ۱۳۸۵: ۱۳۰)

بنابراین، روابط اقتصادی ایران و روسیه در سالهای اخیر در ابعاد تجاری و فنی به شکل مناسب‌تری گسترش یافته و گفته می‌شود در سال ۲۰۰۷ به بیش از سه میلیارد دلار در سال رسیده است. علاوه بر این، ارزش اجرای پروژه‌های مشترک دو کشور در آینده نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود. بیشتر این پروژه‌ها در زمینه استخراج نفت و گاز و انرژی می‌باشند. گازپروم اعلام کرده است که در زمینه حفاری و تولید نفت و گاز برای توسعه دو یا سه بلوک از میدان پارس جنوبی با ایران به توافق رسیده است. (www.russiannews.ru)

اما در بخش انرژی هسته‌ای، بسیاری از تحلیل‌گران ایران و روسیه، ساخت نیروگاه اتمی بوشهر را به عنوان سمبل اصلی همکاری دو کشور مطرح نموده‌اند. البته اهمیت این پروژه فقط در سطوح اقتصادی خلاصه نشده و دارای ابعاد ژئوپلیتیکی نیز می‌باشد. در این رابطه بسیار مناسب است به خاطر آوریم که اولین توافق نامه ساخت نیروگاه اتمی در ایران و همکاری در عرصه استفاده صلح آمیز از نیروی اتمی در سال ۱۹۹۲ به امضاء رسید. در سال ۱۹۹۵ قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار به امضاء رسید. این واقعه زمانی رخ داد که نیروی اتمی در روسیه به عنوان یکی از توسعه یافته‌ترین عرصه‌های تکنولوژی مدرن، آینده توسعه آن تیره به نظر می‌رسید و البته انعقاد چنین قراردادی با ایران هم برای این رشته از صنعت و هم برای اقتصاد روسیه سود کلان اقتصادی داشت. روسیه با مشکلات بزرگی توانست این قرارداد را اجرا نماید زیرا این کشور کاملاً درک می‌کرد که درآمدهای حاصله از فروش راکتور در آماده سازی مقدماتی علمی فنی تدوین طرح‌های نظامی هسته‌ای خود کمک شایانی خواهد کرد. بنابراین ضمن رعایت تعهدات بین‌المللی که روسیه پذیرفته بود، این کشور عملیات ساخت نیروگاه اتمی را تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای انجام داده و هیچ گونه فن آوری [] حساس [] با کاربرد [] دوگانه [] را در اختیار تهران قرار نداده است. علاوه بر این، روسیه برای رفع نگرانی‌های جامعه بین‌المللی، به موازات همکاری‌های هسته‌ای، گفتگوی سیاسی با مقامات ایرانی را به شکل مداوم انجام می‌دهد. (www.irinn.ir)

برای اجرای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر حدود ۳۰۰ شرکت روسی کار می‌کنند و این قرارداد باعث شده که در حدود ۲۰ هزار نفر مشغول به کار یا اینکه فعالیت خود را ادامه دهند. در حال حاضر فقط در سکوی کارگاه بوشهر بیش از ۴ هزار نفر فعالیت می‌کنند که نیمی از آنها متخصصان روسی می‌باشند. روسیه در آموزش پرسنل ایرانی به منظور بهره‌برداری از نیروگاه شراکت دارد. تا سال ۲۰۰۲ در حدود ۳۰۰ نفر دوره آموزشی را در روسیه و ۳۴۱ نفر در کارگاه نیروگاه اتمی بوشهر کارآموزی خود را به اتمام رساندند. (ممدووا، ۱۳۸۵: ۱۲۷) در سال ۲۰۰۴ شرکت‌های روسی عملیات ارزش یابی فنی- اقتصادی ساخت واحد دوم نیروگاه اتمی را انجام دادند. چشم انداز توسعه نیروی اتمی مسالمت آمیز ایران، حضور فعال و چند جانبه شرکت‌های روسیه را که دارای تجربه کار در این کشور می‌باشند امکان پذیر می‌کند. سرانجام پس از مدت‌ها چانه زنی، روس‌ها محموله سوخت هسته‌ای مورد نیاز نیروگاه بوشهر

را ارسال کردند و رئیس موسسه روسی " اتم استروی اکسپورت " که پیمانکار اصلی ساخت و تجهیز این نیروگاه است، اعلام کرد که روسیه و ایران در ماه‌های آینده موسسه مشترکی برای بهره برداری از این نیروگاه تشکیل می دهند. (همان)

مورد قابل توجه دیگر همکاری در عرصه نیروی برق است. شرکت‌های روسی تجربه غنی ساخت و نوسازی نیروگاه‌ها را در دوره پهلوی آغاز نموده و سپس در اولین سال‌های جمهوری اسلامی ایران ادامه دادند و بدین ترتیب عملیات قراردادهای پیش تر منعقد شده نیروگاه‌های اصفهان و اهواز به اتمام رسید. طرف ایرانی مایل است که نیروگاه‌های حرارتی " شهید محمد منتظری " ۲۲۰۰ مگاوات و " رامین " ۲۳۱۵ مگاوات را توسعه دهد. شرکت روسی " تخ پروم اکسپورت " امکان مشارکت در این پروژه را بررسی می کند. پروژه ساخت نیروگاه حرارتی طیس که طبق قرارداد مربوط به عملیات بهره برداری از معدن زغال سنگ " مازینا " می باشد در بین چندین طرح جدید، محتمل‌تر به نظر می‌رسد. گروه مشترک کاری عملیات خود را جهت ارزیابی و چشم انداز ساخت نیروگاه کوچک حرارتی و پایگاه مربوطه فنی آغاز نموده است. خط مشی جدید همکاری در عرصه نیروی برق شراکت شرکت ایرانی توانیر و شرکت روسی " راتو " در پروژه‌های انطباق نیروگاه‌های روسیه و ایران و همچنین ترانزیت و مبادله موسمی نیروی برق از طریق ارمنستان یا آذربایجان می باشد. در آخر سال ۲۰۰۴ پروتکل سینکرونیزه نیروگاه‌های ایران، روسیه و آذربایجان به امضاء رسید. براساس این پروتکل، مقرر شد نیروگاه‌های یاد شده کار خود را از سال ۲۰۰۶ آغاز نمایند. در همین رابطه طرح مشابهی با شراکت ارمنستان نیز در دست اجرا است. علاوه بر این روند جدید همکاری در این عرصه شراکت مشترک در ساخت مراکز انرژی در دیگر کشورها می باشد. ایران و روسیه در ساخت واحد یک و واحد دو نیروگاه سنگ توده در تاجیکستان شراکت دارند و به طور مشترک خطوط هوایی انتقال برق در خاک آذربایجان را می سازند. (<http://pe.rian.ru>)

ارتباطات و ترابری

یکی از پایه‌های مهم توسعه و همکاری میان کشورها، سیستم مناسب حمل و نقل است. بنابراین با درک این مسئله سعی شده که زیربنا و چارچوب حقوقی لازم برای آن ایجاد شود. طرح موافقتنامه راهگذر (کریدور) شمال و جنوب که توسط جمهوری اسلامی ایران، روسیه و هند در سال ۱۹۹۹ به امضا رسید یکی از پایه‌های مهم حقوقی این مسئله

بوده که می‌تواند به تجارت و رشد اقتصادی منطقه کمک شایانی کند. این مسیر هند را به اروپا، با مسیری کوتاه تر و امن تر متصل می‌کند. اکنون کشورهای قزاقستان و بلاروس به این موافقت نامه پیوسته و کشورهایی مانند عمان، بلغارستان، ارمنستان و آذربایجان تقاضای حضور در این موافقت نامه را دارند. تا کنون نشست‌های کارشناسی لازم در کشورهای عضو برگزار شده و محل دبیرخانه آن ایران تعیین شده است. (مامدوا، ۱۳۸۵: ۱۲۸)

از طرف دیگر، برای رونق بخشیدن به تجارت کالا و همچنین راهگذر شمال جنوب اقداماتی صورت گرفته که به شرح زیر است:

الف) تکمیل و تجهیز بنادر در ایران و روسیه؛

ب) راه اندازی خطوط کشتیرانی برای حمل کامیون در دریای خزر؛

ج) تقویت ناوگان حمل و نقل از طریق افزایش تعداد کشتی‌های بزرگ و کوچک در

دریای خزر؛

د) زیرسازی و آماده کردن جاده‌ها و راه آهن برای تسهیل صدور کالا؛

ه) انجام اقدامات کنسولی برای تسهیل صدور روادید برای کامیون داران و حمایت از حقوق آنان؛ و

و) حمل و نقل نفت و گاز از دریای خزر. (صفری ۱۳۸۴: ۱۳۴)

تا کنون بخش عمده صادرات روسی به ایران از طریق راه آهن تا آستاراخان و سپس از طریق دریای خزر تا ساحل ایران حمل می‌شود. کالاهای وارداتی به وسیله کشتی‌ها تا ماخاچ قلعه و سپس با قطار انتقال داده می‌شوند. قبلاً (تا اوایل سالهای ۱۹۹۰) حمل و نقل بارها به وسیله راه آهن از طریق ماورای قفقاز صورت می‌گرفت که ۹۰ درصد این کالاها ترانزیتی بود (از چین و ژاپن به اروپا). اکنون ارتباط راه آهن فقط از طریق ترکمنستان (ایستگاه مرزی سرخس) ممکن است. به علت عرض متفاوت راه آهن روسیه و ایران، در این ایستگاه دستگاه تعویض چرخ نصب شده است که می‌تواند روزی ۲۰۰ واگن سرویس دهد. توسعه راهگذرهای حمل و نقل با مشارکت ایران اجازه خواهد داد سالی ۱۰ میلیون تن بارهای ترانزیتی (۴ برابر بیشتر از سطح کنونی) از خاک این کشور عبور کند.

توسعه راهگذر حمل و نقل شمال- جنوب ناظر بر استفاده از چند مسیر است:

۱- ایجاد خط کشتی‌رانی در دریای خزر: به این منظور باید بندر روسی اولیا را مدرنیزه کرد (که این عملیات انجام گرفته است) و خط راه‌آهن ۴۸ کیلومتری از ایستگاه یاندیش تا این بندر را که ساخت آن ادامه دارد. یکی از اسکله‌های بندر اولیا توسط کمپانی ایرانی «تاید واتر» ساخته شده است. بارها از بنادر ایرانی دریای خزر می‌توانند به وسیله کشتی به همه شهرهای بزرگ روسیه که به سیستم آبی ولگا - کاما - اوکا متصل هستند (۴۰ درصد کشور) انتقال داده شوند.

۲- ساخت بزرگراه تردد خودرو به دور دریای خزر؛ و

۳- استفاده از راه‌آهن (از طریق ترکمنستان، ارمنستان و گرجستان). به عنوان مثال، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان به ساخت خط راه‌آهن از اوزن تا ترکمن‌باشی علاقه‌مندند. (همان)

استفاده از خطوط دریایی رو-رو در دریای خزر، یکی از قسمت‌های مهم طرح حمل‌ونقل «هوستراک» است که تحت سرپرستی سازمان «یونیدو» طراحی می‌شود. استفاده از مسیر آبی از بنادر ایرانی در دریای خزر از طریق کانال ولگا-دون به سوی اروپای جنوبی و از طریق کانال دریایی سفید - دریای بالتیک به سوی کشورهای اسکاندیناوی و اروپای شمالی می‌تواند آینده خوبی داشته باشد. در سپتامبر سال ۲۰۰۰ وزیران حمل و نقل روسیه، ایران و هند قراردادی را به امضاء رساندند تا کریدور حمل و نقل شمال - جنوب را که قادر می‌سازد کالاها از هند به کشور فنلاند به مدت ۲۱ الی ۲۳ حمل شود را دایر نمایند. حمل کالا از طریق کانال سوئز در حال حاضر ۳۵ الی ۴۰ روز به طول می‌انجامد. هیچگونه مالیات یا عوارض برای حمل کالا پرداخت نخواهد شد فقط هزینه حمل و نقل را در بر خواهد داشت.

وزیر حمل و نقل روسیه بر این باور است که حمل کالا در امتداد راهگذر حمل‌ونقل بین‌المللی ممکن است تا چند سال آینده سالانه فراتر از ۱۵ تن برسد. در می سال ۲۰۰۲ وزیران حمل و نقل روسیه، ایران و هند تفاهم‌نامه‌ای را جهت آغاز این راهگذر به امضاء رساندند. (Nezavismaia Gazeta, 24April2002:5)

در سال ۲۰۰۱، حدود ۵ میلیون تن محموله از طریق این مسیر با کشتی حمل شده است. در واقع ۲/۵ میلیون تن آن بصورت محموله جامد از طریق بنادر منطقه آستاراخان عبور داده شده و حدود ۲/۵ میلیون تن نفت از طریق ترمینال ماخاآجاکالا پمپاژ شده است. بیش از یک میلیارد دلار از این محموله از طریق راه دریای خزر در سال ۲۰۰۱ با کشتی حمل

شده است. و برآورد شده است که ۱۲ الی ۱۵ میلیون تن محموله هر ساله از طریق راهگذر حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب طی چند سال آینده با کشتی حمل و نقل شود. (همان)

پیش‌نویس برنامه دولتی به منظور همکاری‌های اقتصادی بلندمدت با ایران تا سال ۲۰۱۲ توسط میخائیل کاسیانف نخست‌وزیر در جولای ۲۰۰۲ به امضاء رسید. روسیه امیدوار است پیش‌نویس اسناد با ایران تا اجلاس دو جانبه هیأت بین‌الدولی بعدی جهت دادوستد و همکاری‌های اقتصادی بر طبق قرارداد ۲۰۰۲ تهران تنظیم شود. برنامه در راستای توسعه بازرگانی، اقتصاد، صنایع، همکاری‌های فنی و تکنولوژیکی بین دو کشور در نظر گرفته شده است. (Russiskaia Gazeta, 24 April 2001:6)

ب- همکاری‌های فنی نظامی

براساس موافقتنامه ۱۵ میلیارد دلاری ایران و شوروی در سال ۱۳۶۸، (۱۹۸۹) حدود ۲-۴ میلیارد دلار به خرید جنگ‌افزار و تکنولوژی‌های مرتبط با آن اختصاص یافت. در سال ۱۳۸۰ نیز با وجود فشارهای امریکا و بویژه توافقنامه گور - چرنومردین در سال ۱۹۹۵ (که براساس آن پس از اتمام زمان قرارداد ده ساله ۱۹۸۹ در سال ۱۹۹۹ نایستی قرارداد دیگری در زمینه نقل و انتقالات تسلیحاتی منعقد شود) روس‌ها، موافقتنامه مذکور را لغو کرده و سند همکاری‌های دفاعی - نظامی ده ساله‌ای را با وزیر دفاع ایران امضاء کردند. خبرگزاری اینترفاکس به نقل از کارشناسان روس گزارش داد که همکاری‌های نظامی با ایران سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار برای مسکو درآمد خواهد داشت.

روند همکاری‌های نظامی - فنی روسیه با ایران پس از بحران کوزوو و روی کار آمدن پوتین دچار تحولی اساسی شد. در فروردین ۱۳۷۹ رئیس‌جمهور ایران و روسیه در نیویورک با یکدیگر ملاقات کردند و در دی ماه ۱۳۷۹ ایگور سرگیف وزیر دفاع روسیه از ایران دیدار نمود. در این دیدار مقامات دو کشور در مورد همکاری‌های نظامی به توافقاتی اساسی رسیدند و طرف روسی بر بی‌اعتبار بودن توافق گور - چرنومردین تأکید کرد. دو کشور قرار گذاشتند با تداوم همکاری‌های نظامی، در مورد مسائل امنیتی مشورت کنند، یکدیگر را در جریان دکترین‌های نظامی، ساختار ارتش‌ها و خطرات و تهدیدات امنیتی مشترک قرار دهند و به گسترش تماس‌ها و روابط نظامی، مبادلات دوجانبه و آموزش نظامیان ایرانی در موسسات آموزشی روسیه همت گمارند.

وزیر دفاع روسیه، ایران را یک شریک قابل اطمینان توصیف نموده و آمادگی روسیه را برای همکاری‌های نظامی و فنی دو جانبه اعلام کرد. در اواخر اسفند سال ۱۳۷۹ نیز ریاست جمهوری اسلامی ایران به مدت ۴ روز از روسیه دیدن کرد که چند توافقنامه مهم امضا شد. سند معاهده اساسی همکاری‌های همه جانبه، توافقنامه‌های اصولی در زمینه‌های مختلف فنی، صنعتی و اقتصادی از جمله دستاوردهای این سفر بود. هفته نامه دفاعی جینز گزارش داد که بدین ترتیب ایران به سومین خریدار جنگ افزار از روسیه (پس از چین و هند) تبدیل می شود. این منبع، میزان خرید جنگ افزار را سالانه ۴۰۰-۳۰۰ میلیون دلار ذکر کرد. از قول مهدی صفری سفیر ایران در روسیه نقل شد که روسیه می‌تواند در سالهای آینده ۷ میلیارد دلار از صادرات نظامی به ایران بدست آورد. سرانجام، پس از این رفت و آمدها، در مهر ماه ۱۳۸۰، سند اجرایی همکاری‌های دفاعی - نظامی ایران و روسیه در جریان سفیر وزیر دفاع ایران به روسیه امضا شد که براساس آن، ارزش مبادلات فنی و تسلیحاتی دو کشور سالانه حدود ۳۰۰ میلیون دلار خواهد بود. (بیستونی، ۱۳۸۰: ۴)

با وجود این، روسیه همواره محدودیت‌های ویژه ای برای انتقال فن آوری‌های نظامی به ایران در نظر داشته و حتی نسبت به پیشرفت‌های موشکی ایران نیز ابراز نگرانی کرده است. یوری بالویفسکی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه در واکنش به پرتاب موشک "عاشورا" در ایران، آن را محل تردید دانست. (<http://rian.ru>) الکساندر لوسیوکوف معاون وزیر خارجه روسیه نیز در واکنش به پرتاب موشک ایران به فضا، آن را نگران کننده دانست. (www.russian.com)

در سال ۲۰۰۵، روسیه سامانه‌های دفاع موشکی □ تور - ام - یک " را به ایران فروخت و بابت آن ۷۰۰ میلیون دلار دریافت کرد. " کمیسیون همکاری‌های فنی و نظامی ایران و روسیه " که مسئول پیشبرد مراودات نظامی میان دو کشور است، چهارمین نشست خود را در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۵ در تهران برگزار کرد و طرف روس قول داد سیستم دفاع ضد موشکی " اس - ۳۰۰ " و جنگنده‌های " سوخو - ۳۰ " و " میگ - ۲۹ " را به ایران فروخته و نیز به مونتاژ هلیکوپتر نظامی در ایران کمک کند. (www.dw-world.de)

پ- همکاری‌های منطقه‌ای

ایران و روسیه پس از سال ۱۹۹۲ به تدریج در منطقه آسیای مرکزی، خزر و قفقاز به درک مشترکی از منافع متقابل رسیدند که مبنایی برای همکاری آنها در این مناطق شد. خطر گسترش نفوذ قدرت‌های غربی و متحدان آنها (ترکیه، اسرائیل، عربستان و پاکستان)، سرایت بحران‌های موجود در منطقه به درون مرزهای دو کشور و بستر ایجاد شده بر اساس قرارداد سال ۱۹۸۹، در گسترش این همکاری بسیار موثر بود.

دو کشور توانسته‌اند بتدریج فضای بدگمانی تاریخی را تلطیف نمایند و نسلی از مدیران و فن سالاران که تجربه همکاری بایکدیگر را دارند، می‌توانند سرمشقی برای همکاران دیگر خود و نیز آیندگان باشند. از طرفی یادگیری زبان‌های دو کشور بطور جدی تر دنبال شده و همین خود علایقی را در دو ملت پدید آورده است.

امروز بر خلاف دوره یلتسین، روسیه یک سیاست خارجی مستقل را در جهان دنبال می‌کند و این استقلال عمل در صحن نهادهای بین المللی و مجموعه‌ای از تعاملات جهانی، عاملی برای توازن بخشی به یکجانبه گرایی امریکا است و البته در کنار کشورهای دیگر و بویژه اقتصادهای در حال ظهور جهان می‌تواند در متنوع سازی نسبی نظام بین المللی و چندجانبه گرایی، دفاع از حاکمیت ملی و احترام به اصول حقوق بین الملل نظیر اصل عدم توسل به زور و اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها اثرگذار باشد.

یک روسیه قدرتمند که توان دفاع از خود را داشته باشد، همچنین در محدودسازی گسترش ناتو نیز می‌تواند موثرتر عمل کند و این موضوع نیز برای جمهوری اسلامی ایران مهم است. یک روسیه مستقل و قدرتمند و یک ایران مستقل و قدرتمند با توجه به کشورهای قدرتمند جدیدی چون چین، هند و برزیل و کشورهای دیگری که می‌کوشند فضایی برای تنفس پیدا کنند (همانند مجموعه ای از کشورهای آمریکای لاتین)، امکانات هم افزایی را در نظام بین الملل پدید خواهند آورد.

در سطوح منطقه‌ای نیز دو کشور می‌توانند در موارد ایجاد همکاری‌های ثمر بخشی تری داشته باشند. دو کشور هم در آسیای مرکزی و هم در خزر و قفقاز، قابلیت و ظرفیت آن را دارند که نهادهایی موثر برای حل و فصل مسائل و توسعه، امنیت و همکاری ایجاد کنند. این نهادها می‌توانند در توسعه منطقه ای و همگرایی‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گام‌های

بردارند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مسلمان و یک نظام سیاسی مترقی، می‌تواند جای سایر الگوها را که ضدیت با روسیه را تبلیغ می‌کنند بگیرد.

دو کشور در مورد بحران قره باغ به شدت اظهار نگرانی کرده و جمهوری اسلامی ایران کوشید تا میان طرف‌های بحران میانجیگری نماید. دو کشور از سال ۱۹۹۴ مجموعه‌ای از نشست‌ها را میان طرف‌های جنگ داخلی بحران تاجیکستان در تهران و مسکو تشکیل دادند که در سال ۱۹۹۶ به سازش انجامیده و بدین ترتیب بحران خاتمه یافت. همچنین باید به همکاری در حمایت از ائتلاف شمال افغانستان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ اشاره کرد که موجب گردید آنها در مقابل حملات طالبان مقاومت کنند.

در واقع، از نگاه تهران و مسکو حرکت‌های تندرو اعم از قومی، مذهبی و ... در مناطق مشترک میان دو کشور، منافع آنها را به خطر می‌اندازد و از این رو، در بسیاری از زمینه‌ها به همدیگر نه به عنوان رقیب، بلکه چون همکار نگرسته و تلاش‌هایی را به منظور حل و فصل مسائل به عمل آورده‌اند. در این قسمت به همکاری‌های مسکو و تهران در مناطق مذکور می‌پردازیم.

آسیای مرکزی

روسیه در سال‌های نخست پس از فروپاشی، از سوی مسکو نگاهی منفی به فعالیت‌های ایران در آسیای مرکزی داشت. اما این نگاه با سیاست عملگرایانه ایران متحول شد و دو کشور در مجموعه‌ای از مسائل و به ویژه جریان بحران تاجیکستان با یکدیگر همکاری جدی نمودند.

آنچه که در تاجیکستان اتفاق افتاد، یک جنگ داخلی بود که میان اسلام‌گرایان و دموکرات‌ها از یکسو و کمونیست‌ها از سوی دیگر در جریان بود. پس از آنکه کمونیست‌ها با حمایت نیروهای روسیه و ازبکستان به قدرت بازگشتند، مخالفین به مرزهای افغانستان عقب‌نشسته و در یکسری عملیات نظامی تعدادی از سربازان روس را به قتل رساندند. برای مسکو، حفظ مرزهای اتحاد شوروی بسیار با اهمیت بود و از دست رفتن تاجیکستان به معنای باز شدن این مرزها از جنوب قلمداد می‌شد. لذا حل این مشکل از راه‌های دیپلماتیک به موضوعی اساسی برای مسکو تبدیل شد. در پاییز ۱۳۷۳ یک موافقتنامه آتش بس میان طرفین درگیر با میانجیگری ایران در تهران امضا شد. یک سال بعد رحمانف رئیس‌جمهور

تاجیکستان و عبدالله نوری رهبر اسلام گرایان به تهران دعوت شده و در حضور رئیس جمهور ایران یک موافقتنامه برای حل اختلافات به شیوه‌های مسالمت آمیز امضا کردند. آنها پذیرفتند تا به آتش بس ادامه داده و شورایی را برای حل مشکلات تشکیل دهند و سرانجام در سال ۱۳۷۶ میان دولت و نیروهای مخالف توافق نهایی به عمل آمد.

نقش ایران در میانجیگری میان گروه‌های درگیر در تاجیکستان، موقعیت و وزن ایران را در ایجاد صلح و ثبات در منطقه افزایش داد و روس‌ها را بیش از پیش نسبت به نقش مثبت ایران امیدوار ساخت. نکته ای که در این رابطه مهم است اینکه در مساله تاجیکستان، جمهوری اسلامی ایران بیشتر در نقش یک میانجی عمل کرد، در حالی که روس‌ها عملاً درگیر حمایت از دولت بوده و نیروهای آنها رسماً در آن کشور حضور داشتند. ایران در قانع ساختن اسلام گراها به کنار آمدن با حکومت مورد حمایت روسیه، نقش مهمی بازی کرد. در هر حال، متأسفانه این قضیه بیشتر در جهت منافع حکومت دوشنبه و موقعیت منطقه‌ای روسیه حل و فصل شد.

یک نمونه دیگر همکاری دو کشور به موضوع افغانستان برمی‌گردد. پس از پیروزی طالبان در سال ۱۳۷۵، ایران و روسیه از ائتلاف شمال حمایت کردند. در همان سال وزیر امور خارجه ایران بر روابط گرم دو کشور تاکید و یوگنی پریماکف وزیر خارجه روسیه از تهران دیدار کرد. طالبان به عنوان یک گروه رادیکال مذهبی برای دو دولت تهدید امنیتی تلقی می‌شد. و از این رو، تهران و مسکو عزم خود را برای مقابله با آنها جزم کردند. علاوه بر آن، انتقال مواد مخدر از افغانستان برای هر دو کشور مشکلاتی ایجاد نمود و در سال ۱۳۷۸ میان تهران و مسکو یک موافقتنامه مبارزه با قاچاق مواد مخدر امضا شد. همکاری دو کشور در سال‌های بعد بیشتر شد و سرانجام نیز امریکایی‌ها از طریق نیروهای مورد حمایت ایران و روسیه حکومت طالبان را سرنگون ساختند. (کولایی، ۱۳۸۴: ۲-۱۴۱) پس از شکست طالبان، گمان می‌رفت که روس‌ها نسبت به حضور امریکا و سایر دولت‌های غربی در افغانستان و آسیای مرکزی حساس شده و در نتیجه به دولت‌هایی چون هند، چین و ایران روی آورند تا در مقابل حضور غرب در جوار مرزهای چهار کشور نوعی موازنه اعتراض شکل دهند.

با وجود اینکه دو کشور همدیگر را به عنوان رقیب و یا تهدید نگاه نکرده اند، اما همکاری‌های دو کشور در سطح منطقه ای کمتر توانسته است به ساختار و ترتیبات پایداری منجر شود و بیشتر به شکل غیرآشکار و تلویحی تداوم یافته است. مثلاً در آسیای مرکزی،

روس‌ها حتی نسبت به عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای چندان روی خوش نشان ندادند و ایران صرفاً با مساعدت کشورهای کوچکتر مثل تاجیکستان و قرقیزستان توانسته است در نشست سران سازمان در جولای ۲۰۰۵ در شهر آستانه به عضویت ناظر پذیرفته شود. از دیدگاه روسیه، جمهوری اسلامی ایران بخاطر جهت‌گیری‌های خاص سیاست خارجی خود بویژه در ارتباط با آمریکا و غرب ممکن است به سازمان مذکور معنا و مفهوم دیگری بخشد و از طرف دیگر، ظرفیت سازمان را در جهت نیل به یک زبان واحد امنیتی محدود سازد. (مرادی ۱۳۸۱: ۶۱) روس‌ها به حفظ حوزه‌های نفوذ خود در منطقه "خارج نزدیک" و از جمله در آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان یک اولویت اساسی می‌نگرند.

پس، بطور کلی روسیه منطقه "خارج نزدیک" خود را دور از دسترس دیگران می‌خواهد و در این میان، حتی کشورهایی چون جمهوری اسلامی ایران نیز تا حدود خاصی به عنوان همکار در نظر گرفته می‌شوند. البته شاید در آینده آنها مجبور به پذیرش ترتیبات و ساز و کارهای سازمانی همکاری با ایران نیز بشوند؛ چرا که روز به روز از نفوذ روسیه در این منطقه کاسته می‌شود. همچنانکه گرجستان و آذربایجان به غرب و ترکیه نزدیک می‌شوند، آسیای مرکزی نیز به طور جدی به چین نزدیک خواهد شد. در حال حاضر حضور چینی‌ها و کره‌ای‌ها در قزاقستان چشمگیر است و در یکی دو سال آینده، خطوط انتقال انرژی چین تا دریای خزر خواهد رسید و در آن صورت، روسیه گزینه‌ای بهتر از ایران برای همکاری نخواهد یافت.

پرتال جامع علوم انسانی

قفقاز

منطقه قفقاز برای دو کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. حتی در سده هیجده و نوزدهم میلادی نیز بیشتر رقابت‌ها (موسوم به بازی بزرگ میان عثمانی، ایران، روسیه و انگلیس) در این منطقه جریان داشت و مقاومت ایران ویژگی خاصی به این منطقه داده بود. قفقاز موزاییکی از اقوام گوناگون است که هشت جمهوری خودمختار در شمال آن و سه جمهور مستقل و چهار جمهوری خودمختار در جنوب آن قرار دارد و مجاورت با دریای سیاه (با توجه به وضع اوکراین و مسائل مربوط به گسترش ناتو و دیگر نهادهای غربی) آن را برای روسیه برجستگی ویژه‌ای بخشیده است. برای ایران نیز مجاورت قفقاز ناامن و درگیر در

مسائل قومی و هویتی بحران ساز، نگرانی‌هایی را به دنبال دارد. دو کشور نسبت به بحران‌های قومی منطقه از جمله بحران قره باغ حساسیت داشته و آن را برای امنیت ملی و نفوذ منطقه‌ای خود خطرناک دانسته‌اند، اما در ارتباط با این موضوع، سیاست‌های جداگانه‌ای را دنبال کرده‌اند. روس‌ها به خاطر ارتباط ویژه با جمهوری ارمنستان و داشتن پایگاه نظامی در این کشور و نیز نفوذ گسترده در داخل آذربایجان و گرجستان و وابستگی این کشورها در عرصه‌های مختلف، ابزارهای متعددی برای نفوذ و فشار در این منطقه دارند. مسکو تا سال ۲۰۰۷، همچنان پایگاه‌های نظامی خود را در گرجستان حفظ و هنوز هم پایگاه راداری قبله را در آذربایجان اجاره کرده‌اند. همچنین، روسیه ارتباطات گسترده‌ای با اقوام داخل کشورهای منطقه مانند آبخازها، اوستیایی‌ها و آجارها داشته و از آنها در برابر حکومت مرکزی حمایت می‌کند.

موضوع دیگر، حضور قدرت‌های خارجی و روابط کشورهای گرجستان و آذربایجان با ناتو است که ایران و روسیه نسبت به آن مخالف هستند. اما با وجود همه این‌ها، دو کشور نتوانسته‌اند به همکاری خاصی در این زمینه‌ها برسند.

دریای خزر

اگر چه میان ایران و روسیه در دریای خزر طی دهه ۱۹۹۰ برای جلوگیری از نفوذ آمریکا و سایر قدرت‌های خارجی، همکاری‌هایی در جریان بوده، اما پتانسیل رقابت نیز وجود داشته است. از ابتدا، مسکو در برابر پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل سازمان همکاری‌های دریای خزر، اکراه و بی‌علاقگی خود را برای همکاری در این حوزه که آن را حوزه نفوذ بلامانع خود می‌دانست بروز داد. اما پس از طرح موضوع اکتشاف منابع انرژی در این دریاچه و هجوم شرکت‌های غربی از سال ۱۳۷۳ به بعد، مسکو دو عکس العمل موازی از خود نشان داد، اول تاکید بر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی که تضمین‌کننده حضور فیزیکی و بدون محدودیت شناورهای نظامی و غیرنظامی آنها در این دریاچه بود و دوم کوشش بی وقفه و البته همراه با موفقیت جهت حضور در شرکت‌ها و کنسرسیوم‌های بهره برداری از منافع خزر می‌باشد. (روزنامه حیات نو، ۷ مهر ۱۳۸۱: ۸)

جمهوری اسلامی ایران بطور مشخص بر دو موضوع در دریای خزر تاکید داشته است. نخست تاکید بر "دریای خزر به عنوان دریای صلح و ثبات و همکاری" و دیگری، بهره برداری

مشاع یا تقسیم دریا به بخش‌های مساوی (تقسیم عادلانه). اما اقدامات روسیه، با موضع ایران متفاوت بوده است. برگزاری رزمایش روسیه در دریای خزر، موضع نخست ایران را تضعیف نمود و قراردادهای دوجانبه تقسیم بستر دریای خزر شرایط را دشوار نموده است. بطوری که ویکتور کالیوژنی نماینده ویژه رئیس جمهور روسیه در امور دریای خزر صراحتاً سیاست ایران را " غیر عملی " اعلام کرد.

در سال ۱۳۷۱ رئیس جمهور وقت ایران، هاشمی رفسنجانی، ایده تشکیل سازمانی را در تهران و در جمع سران کشورهای خزر مطرح کرد. کشورهای دیگر با پذیرش این ایده، مقدمات ایجاد دبیرخانه آن را فراهم آوردند؛ اما در عمل سیاست واقع‌گرایانه را در استفاده بیشتر از منابع بستر دریا در پیش گرفتند. ایده غیرنظامی کردن دریای خزر نیز اولین بار از سوی ایران و در جریان سفر رهبر معظم انقلاب به بندر انزلی در سال ۲۰۰۲ عنوان شد. سپس در سال ۲۰۰۵ ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه خواستار مشارکت تمامی کشورهای ساحل دریای خزر و از جمله ایران در ایجاد سازمان حفظ صلح، نظم و امنیت در منطقه دریای خزر شد. نگاه پوتین بیشتر متوجه تشکیل سازمانی برای حفظ امنیت بود، در حالی که ایران به موضوع توسعه و رشد اقتصادی منطقه نظر داشت. (<http://www.rfrel.org>)

ماهیت پیشنهاد روسیه در مورد فعالیت‌های نظامی در دریای خزر حاوی دو موضوع بود؛ اولاً روسیه پیشنهاد کرده بود که در اساسنامه حقوقی دریای خزر فرمول حفظ توان پایدار نیروهای نظامی کشورهای حاشیه گنجانده شود و ایجاد ساختار نظامی در خزر در حد کافی و معقولانه باشد. ثانیاً در موضوع ممنوعیت استفاده از نیرو یا تهدیدات نظامی، بهره برداری صرفاً صلح آمیز از دریای خزر، پیشنهاد شده بود. هم اکنون برخی کشورها به سمت غیرنظامی شدن دریا حرکت می کنند و برخی دیگر به دلیل این که بیشتر از همه ناوگان نظامی دارند، به دنبال حداکثر استفاده از پهنه آبی هستند. ایران در این میان باید سیاست دقیقی اتخاذ کند، در عین حال که ایران غیرنظامی شدن دریا را تایید می کند؛ اما باید توجه داشت غیرنظامی شدن منطقه، خزر را از منظر ایران، فاقد هر گونه توان دفاعی خواهد کرد. (freedman, 2002:6-7)

روسیه حداقل ۱۰۵ ناو مجهز در دریای مازندران دارد که بخش اعظم آن ناوگان شبه جزیره کریمه در دریای سیاه است که در پی بروز اختلاف با اکرانین به خزر منتقل

شده است. بنابراین روسیه قدرت بلامنازع دریای خزر است و با فاصله زیاد پس از روسیه، ایران قرار دارد، سپس قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان هستند. از ابتدای سال ۱۳۷۷، تقویت نیروی نظامی ایران در دریای خزر در دستور کار قرار گرفت و ۲ پایگاه در انزلی و چالوس ایجاد شد و بخش شرقی خزر توسط سپاه پاسداران و بخش غربی آن توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران حراست شد. ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز بنا بر گفته فرمانده این نیرو به دشمنان هشدار داد که هر گونه برنامه آنان با ممانعت ارتش ایران روبرو می‌شود و تنها ۵ کشور ساحلی، حق تصمیم‌گیری در مورد رژیم حقوقی این دریا را دارند. همچنانکه گفته شد، روسیه اخیراً به کشورهای ساحلی خزر پیشنهاد کرده است، نیروهای چند ملیتی واکنش سریع، توسط این کشورها در منطقه تشکیل شود، پیشنهاد و ایده مسکو، چند علت دارد. مقامات کرملین، بر این عقیده‌اند که منطقه دریای خزر، چهارراه حرکت عمال تروریست از مراکز تروریسم منطقه‌ای است که هنوز در عراق، افغانستان، پاکستان و دیگر کشورهای منطقه حضور دارند. شبه نظامیان از کوره راه‌های مخفیانه و گاه به طور علنی، با استفاده از ناهماهنگی نهادهای دولتی کشورهای ساحلی خزر به قزاقستان، روسیه و ماورای قفقاز رخنه می‌کنند. (ضیایی پرور، ۱۳۸۲ : ۶۹)

پس، مسائل دریای خزر از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و اگر چه دو کشور در ابعاد سلبی مانند عدم حضور و فعالیت کشورهای غیر ساحلی، جلوگیری از عبور خطوط انتقال انرژی از طریق ترکیه، ایجاد یک رژیم حقوقی جدید برای دریاچه خزر توافق دارند، اما در ابعاد ایجابی چنین نیست و مسائلی میان آنها وجود داشته و دارد. از نگاه ایران، موافقتنامه ژوئیه ۱۹۹۸ روسیه و قزاقستان و پس از آن موافقتنامه روسیه و آذربایجان در مورد تقسیم دریای خزر، خلاف روح تفاهمات موجود میان دو کشور بوده است. این موافقتنامه‌ها ایران را برای رسیدن به توافق با کشورهای همجوار تحت فشار قرار می‌دهند. در مورد خطوط انتقال انرژی نیز دو کشور با وجود توافق بر سر جلوگیری از ایجاد خطوط انتقال شرقی - غربی، اما هیچ توافقی برای بهره‌گیری از فرصت‌های جغرافیایی یکدیگر به عمل نیاورده‌اند تا جایی که روس‌ها بیشتر به انحصار خطوط انتقال انرژی برای رسیدن به موقعیت " ابر قدرت انرژی " از نگاه پوتین اندیشیده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران از سال‌ها پیش مذاکراتی را با روسیه از طرق رسمی و غیر رسمی آغاز نموده و با توجه به اهمیت مسائل سطح دریا برای روس‌ها، به آنها به طور

تلویحی گوشزدنموده که در صورت تامین منافع ایران در بستر دریا حاضر به حمایت از مواضع آنها در سطح دریا می باشد.

همانطور که گفته شد برای همکاری در خزر، جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۲ پیشنهاد تشکیل سازمان کشورهای ساحلی را ارائه نمود که مورد استقبال قرار نگرفت. اما مذاکرات پنج جانبه کشورهای ساحلی در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر ابتدا در سطح مدیران کل حقوقی وزارت خارجه صورت گرفت که پس از توافق وزرای امور خارجه در اکتبر ۱۹۹۶ در عشق آباد، سطح گروه کاری به معاونین وزرای امور خارجه ارتقاء یافت و تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی خزر که تکالیف و حقوق کشورهای ساحلی را مشخص می کند، در دستور کار قرار گرفت که تاکنون پیشرفت‌هایی داشته است. علاوه بر مذاکرات پنج جانبه راجع به رژیم حقوقی، مذاکراتی نیز راجع به دیگر مسائل دریای خزر در جریان است که اولین سند پنج جانبه در این زمینه "کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر" بود که در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۳ در تهران به امضا رسید. همچنین مذاکراتی در زمینه کشتیرانی، شیلات، هواشناسی و فوریت‌های دریایی در جریان است و پیشنهادهای در زمینه همکاری‌های امنیتی از سوی برخی کشورها مطرح شده است. (بلاژنک، ۱۳۸۴: ۲۵) پس از سفر پوتین به تهران و برگزاری نشست سران کشورهای ساحلی خزر، مذاکراتی صورت گرفت که متن مذاکرات حکایت از عدم توافق میان طرفین دارد.

در پایان این نشست، بیانیه‌ای صادر شد که خزر را به عنوان "منطقه صلح و ثبات، توسعه و شکوفایی پایدار اقتصادی و حسن همجواری و تساوی حقوق در همکاری‌های بین‌المللی میان کشورهای ساحلی مطرح کرد. برگزاری نشست سران به صورت منظم، گسترش راههای پیوند دهنده، عدم استفاده از نیروهای مسلح به منظور حمله به یکدیگر، عدم اجازه به کشورهای دیگر برای هجوم به کشورهای ساحلی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر از دیگر محورهای بیانیه پایانی نشست بود.

خاورمیانه

از زمان بحران کویت در سال ۱۹۹۰، نگرانی‌های مشترکی میان ایران و شوروی نسبت به حضور امریکا در خلیج فارس مطرح بود و مسکو کوشید تا دولت عراق را پیش از تهاجم ارتش ائتلاف، وادار به خروج از کویت کند. پس از بحران روسیه در دهه ۱۹۹۰ سیاست

مشخصی در مورد خاورمیانه نداشتند، اما از دوران پوتین نگاه به منطقه و احیای ارتباط با متحدان پیشین جان گرفت و روابط با دیگر کشورها نیز از سر گرفته شد. ناگفته نماند که در سند " تدبیر سیاست خارجی روسیه " مصوب سال ۲۰۰۰ و یک سند دیگر موسوم به " بررسی سیاست خارجی روسیه " که در سال ۲۰۰۷ مورد تصویب رئیس جمهور هم قرار گرفته، خاورمیانه در اولویت پنجم منطقه‌ای سیاست خارجی مسکو قرار دارد. پوتین در سفر خاورمیانه‌ای خود از عربستان، قطر، اردن، مصر، اسرائیل و فلسطین دیدار نمود. سفر مقامات منطقه از جمله امیر عبدالله، پادشاهان بحرین و قطر، مقامات امارات، عمان و کویت به مسکو نیز بر پیوندهای آنها افزوده است.

روسیه تمایل داشته تا در منطقه خاورمیانه نقش بارزی را داشته باشد. اولویت‌های سیاست خارجی در این منطقه، رابطه با کشورهای ایران، ترکیه، عراق و کشورهای جنوبی خلیج فارس بوده است. همچنین برای مسکو روابط با کشورهای سوریه، مصر، اردن، لبنان، فلسطین و رژیم صهیونیستی اهمیت دارد. روس‌ها طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ در چارچوب مقررات سازمان ملل متحد تحریم عراق را گردن نهادند. این در حالی بود که بغداد حدود ۸۵-۷ میلیارد دلار به روسیه بدهکار بود. روابط روسیه و ترکیه میان همکاری، رقابت و رویارویی در نوسان بوده است. روابط با آنکارا از دو جهت اهمیت دارد: آنکارا یک طرف تجاری مهم برای مسکو است. میزان مبادلات دو دولت ۱۲-۱۰ میلیارد دلار در سال می باشد. ترکیه یک خریدار مهم گاز طبیعی از روسیه است. همچنین، ترکیه یک خریدار تجهیزات نظامی از روسیه است. از سوی دیگر، ترکیه یک رقیب عمده در منطقه قفقاز و خزر است. نظام امنیتی قفقاز، مساله انتقال انرژی خزر، اختلاف با مسکو بر سر تردد کشتی‌های روسی از تنگه بسفر، و بالاخره حمایت ترکیه از مبارزان چچن از موضوعات بحث انگیز در روابط مسکو - آنکارا بوده است.

مواضع دو کشور ایران و روسیه نسبت به صلح خاورمیانه متفاوت بوده است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران روند سازش را ناعادلانه می‌داند، روس‌ها روابط نسبتاً گرمی با رژیم صهیونیستی دارند. نزدیک به یک میلیون نفر روس در اسرائیل سکونت دارند که طی سال‌های دو دهه اخیر به آنجا مهاجرت کرده اند و این عاملی برای روابط فرهنگی مسکو - تل آویو است. اسرائیل پس از ترکیه دومین شریک تجاری عمده روسیه در خاورمیانه است. روابط دیپلماتیک نزدیک و همکاری فنی - نظامی دو کشور نیز در وضع مساعدی

است. در عین حال، این روابط با ناخشنودی و فشار عوامل طرفدار کشورهای مسلمان در وزارت خارجه روسیه، نیروهای سامی ستیز ارتدوکس و یا کمونیست و ملی گرا، جامعه مسلمانان روسیه و بالاخره موسسات تسلیحاتی ذینفع در فروش سلاح به کشورهای مسلمان مواجه است. موضع روسیه نسبت به خاورمیانه در دوره پوتین به نوعی موازنه برگشته است. روسیه به دولت سوریه تسلیحات فروخته و با دولت خودگردان ارتباط دارد و حتی پس از پیروزی حماس در انتخابات، سران آن را به مسکو دعوت نمود و این به رغم مخالفت‌های امریکا و اسرائیل بود. مسکو معتقد است که باید به انتخاب مردم فلسطین احترام گذاشت، اما روابط رسمی با حماس را به شناسایی اسرائیل مشروط نمود. روسیه به عنوان یکی از اعضای "نشست چهار جانبه صلح خاورمیانه"، از هر تلاشی برای صلح حمایت می‌کند و در جریان کنفرانس آنابولیس نیز از امریکا در این مورد پشتیبانی کرد. از این رو، مشاهده می‌کنیم که دو کشور در منطقه خاورمیانه مواضع نسبتاً مشترکی نسبت به خلیج فارس و عراق دارند، اما در مورد مسئله فلسطین، دیدگاه دو کشور متفاوت است.

در مجموع، سیاست عمل گرایانه ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و تلاش ایران برای حفظ و بسط روابط با روسیه در سطوح دوجانبه و بین المللی و درگیر بودن دو کشور با مشکلاتی مشابه در داخل و خارج (یکجانبه گرایی امریکا به زیان هر دو)، سطح منطقه ای را به عرصه همکاری و درک متقابل (البته به صورت نسبی) درآورده است.

ث- همکاری‌های دو کشور در مسائل بین المللی

روسیه‌ی سال‌های ۹۵-۱۹۹۱ چون خود را در پیوند با غرب می‌دید، طبعاً زمینه‌های زیادی نیز برای همکاری بین المللی با جمهوری اسلامی ایران نمی‌دید. اما از اواسط دهه ۱۹۹۰ و بویژه پس از روی کار آمدن پوتین، دو کشور در مخالفت با یکجانبه گرایی امریکا و قرار دادن یک نظام چند قطبی بجای آن منافع مشترکی پیدا کردند. این موضوع، بویژه از سال ۲۰۰۴ و پس از آغاز موج انقلاب‌های رنگی در منطقه اوراسیای مرکزی جدی‌تر گشت. در اینجا به مهمترین عرصه‌های همکاری دو کشور در مسائل بین المللی می‌پردازیم:

۱- چندجانبه گرایی

دو کشور ایران و روسیه با نظام بین المللی تک قطبی، هژمونی آمریکا، و یکجانبه گرایی آن مخالفت جدی دارند. جلوگیری از فشارهای آمریکا برای منزوی ساختن ایران و روسیه، دستیابی به قدرت مانور بیشتر در سطح بین المللی با همکاری های دولت های مستقل یا ناراضی از وضع موجود و جلوگیری از گسترش ناتو از مهم ترین موضوعات مشترک در حوزه سیاست خارجی ایران و روسیه است. این مسائل بویژه از زمان تصدی پست وزارت خارجه به روسیه پریماکوف بطور جدی دنبال شده اند و مقامات دو طرف بارها در مورد اتحاد یا همکاری استراتژیک تهران با مسکو، پکن و دهلی سخن گفته اند. (صفری ۱۳۸۴: ۸-۱۴۷)

از یک سو، تحقیر روس ها در مسائل مختلف از کمک های اقتصادی گرفته تا دخالت در امور داخلی کشورشان به وسیله غربی ها و نیز نادیده گرفتن نقش مناسب مورد انتظار مسکو در مسائلی چون بحران بوسنی و کوزوو و از سوی دیگر، فشار افکار عمومی، بویژه کمونیست ها، ملی گرایان و اسلاو گرایان و نیز ارتش روسیه، از عواملی است که روسیه به رقابت با آمریکا پرداخته است. اما مقامات کرملین به خوبی آگاه بوده اند که توان یک رقابت جدی با آمریکا را ندارند و امکان پرداخت هزینه های چنین رقابتی برایشان میسر نیست.

لذا می بینیم که با وجود مخالفت دو کشور ایران و روسیه با نظام بین المللی تک قطبی و تحت سلطه آمریکا و نیز گسترش نهادهای تحت کنترل آن نظیر سازمان پیمان اتلانتیک شمالی و منافعی که در این رابطه دارند، چنین مساله ای موجبات همکاری مستقیم دو کشور را در این عرصه فراهم نیاورده است. علت این امر عمدتاً به نگاه روسیه به ایران و جایگاه کشورمان در سیاست خارجی آن کشور برمی گردد. روس ها بر این باور نیستند که در مقابل آمریکا بایستی جبهه ای بین المللی تشکیل داد و حتی اگر قائل به ایجاد تعدیل در مقابل یکجانبه گرایی آمریکا باشند، برای این کار عمدتاً به اروپا، چین و هند توجه دارند. روس ها حتی در مسائل منطقه ای نظیر ارمنستان معتقد به همکاری با ایران نیستند و به عبارتی برای ما وزنی قائل نیستند. در مسائل بین المللی فرمانطقه ای، موارد همکاری روسیه با آمریکا بسیار بیشتر از موارد همکاری با ایران است.

البته این بدان معنا نیست که مسکو از مواضع ضد امریکایی ایران استقبال نکند. مادامی که ایران دارای مواضع مستقل و ضد امریکایی است، این موضوع از نگاه مسکو امری مثبت تلقی می شود. هرچند که متهم شدن ایران به " سرکش " بودن نسبت به نظام بین المللی

در دهه ۱۹۹۰ موجب شده بود تا روسیه سطح روابط خود را با ایران محدود نگه دارد و محدود ماندن سطح مقامات بازدیدکننده از ایران، بخوبی این وضعیت را نشان داد. البته مواضع ضدآمریکایی ایران به عنوان متبع بالقوه‌ای از همکاری برای مقابله با حضور و اقدام آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در نظر مقامات مسکو تلقی می‌شود.

در سطح بین‌المللی، دو کشور ایران و روسیه در مسائل بالکان دارای تعارض منافع آشکاری بوده‌اند و در حالی که روس‌ها به عنوان متحد سنتی صرب‌ها (بخاطر نژاد اسلاو و مذهب ارتدوکس) از اقدامات آنها در سطح اجتماع و حتی نهادهای دولتی (مثل دوما) حمایت می‌کردند، جمهوری اسلامی ایران یکی از حامیان اصلی و فعال مسلمانان بوسنی بود.

همچنین، ایران و روسیه از برخورد دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر و دموکراسی رنج می‌برند و در بیانیه‌های متعدد به وجود استاندارد دوگانه در غرب برای مواجهه با این موضوع اشاره کردند و از آن انتقاد نمودند. همین دیدگاه مشترک در مورد استاندارد دوگانه در زمینه حقوق بشر باعث شده است که از مواضع هم‌دیگر حمایت نمایند. از سال ۱۹۹۶ به بعد روسیه همواره به قطع نامه‌هایی که علیه حقوق بشر در ایران مطرح شده است رای منفی داده است و متقابلاً ایران نیز از مواضع روسیه حمایت کرده است. ایران و روسیه همکاری نزدیکی در سازمان ملل با همدیگر دارند و در خصوص موضوعات مهم بین‌المللی رایزنی مستمر و نزدیکی بین آنها وجود دارد و هر دو کشور مخالف تضعیف نقش سازمان ملل در حل و فصل بحران‌های جهانی هستند. روسیه علی‌رغم امضای موافقت‌نامه با اکثر کشورهای دنیا به دلیل مخالفت آمریکا تاکنون نتوانسته به سازمان تجارت جهانی ملحق شود. این در حالی است که برخی جمهوری‌های کوچک کشورهای مشترک المنافع نظیر قرقیزستان و گرجستان هم اکنون عضو این سازمان هستند. ولادیمیر پوتین بارها از آمریکا به دلیل استفاده از این سازمان برای پیشبرد اهداف سیاسی انتقاد نموده است. ایران نیز به دلایل سیاسی تاکنون موفق نشده به این سازمان ملحق شود.

پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

در مورد پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و شورای امنیت سازمان ملل متحد، مسکو سیاست خود را با توجه به روابط با غرب، ایران و مقررات ان.بی.تی و حقوق بین‌الملل تنظیم نموده است. البته در دولت روسیه، دیدگاه‌های

متفاوتی نسبت به این پرونده وجود دارد، اما سیاست رسمی دولت، تاکید بر حق حاکمیت دولت ایران، تاکید بر پایبندی ایران به مقررات ان.پی.تی و منشور ملل متحد و عدم ایجاد هزینه از سوی این پرونده برای روابط آن کشور با غرب بوده است؛ بطوری که مسکو ضمن اینکه به عنوان یکی از موانع پیشرفت پرونده در مسیر دلخواه امریکا عمل نموده، اما سرانجام، به آرامی به انتقال پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد و تصویب سه قطعنامه علیه ایران رای داده است.

روسیه همانند غرب از تعلیق غنی سازی به وسیله ایران حمایت نموده و از ایران خواسته است که ضمن همکاری کامل با آژانس مسائل خود را با اروپا بصورت دیپلماتیک حل و فصل نماید تا از تشدید تنش‌ها جلوگیری شود. روسیه همواره بر راه حل دیپلماتیک مساله هسته‌ای تاکید نموده و راه حل نظامی را تقبیح کرده است. این موضوع به دلایل مختلفی چون روابط مطلوب دو کشور، بازار ایران برای روسیه، همکاری‌های دو کشور طی دو دهه اخیر و اهمیت حفظ حرمت حاکمیت‌های ملی و اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها (به عنوان یکی از دغدغه‌های خود روس‌ها) بوده است.

روس‌ها خط قرمز خود را از ابتدا، انحراف ایران از مقررات ان.پی.تی بیان کرده و اعلام کرده‌اند که چنانچه چنین اتفاقی بیفتد، ایران را به عنوان دشمن می پندارند. (کاراگانف، ۱۳۸۱: ۶) پوتین نیز در مصاحبه ای در کنفرانس امنیتی مونیخ (بهمن ۱۳۸۵)، به صراحت اعلام کرد: " روسیه در نگرانی‌ها آژانس (۶۷ بند البرادعی) در مورد برنامه هسته‌ای ایران شریک است. ایرانی‌ها مدام می گویند که برنامه آنها صلح آمیز است، این برای من قابل درک نیست. "<http://pc.rian.ru> اگر چه روس‌ها طی این سال‌ها کمتر از غرب نسبت به موضوع هسته‌ای ایران ابهام داشته‌اند اما در داخل روسیه برخی مقامات گاهی مواضع تندی اتخاذ کرده اند. بطوری که میخائیل مارگولوف رئیس کمیته امور بین المللی دوما پس از دیدار از تهران در سال ۲۰۰۷ اظهار داشته است که " در تهران بوی باروت به مشامش رسیده است. " مسکو برای حل مساله هسته ای ایران راه حلی را مینی بر تامین سوخت هسته ای مورد نیاز نیروگاه‌های هسته‌ای ایران و یا مشارکت با ایران برای تولید این سوخت در خاک کشورشان ارائه کرده است.

برخی تحلیل گران براین باور هستند که سیاست روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران متأثر از سه عامل بوده است: ابهام و تردید نسبت به اهداف ایران، تلاش برای تامین منافع اقتصادی خود و تلاش برای مشارکت در مدیریت این بحران. از این نگاه، ضمن آنکه

باید فعالیت‌های ایران مورد نظارت کامل قرار گرفته و از انحراف آن جلوگیری شود، اما این کار باید بدون لطمه زدن به روابط دو کشور و حفظ تعاملات اقتصادی و سیاسی طرفین انجام گیرد. (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۸) بقول واسیلی لیخاچیفوف معاون کمیته امور بین‌المللی دوما: "روسیه خواستار محدود کردن حاکمیت ایران بر انرژی اتمی نیست، اما ما به امنیت بین‌المللی اهمیت می‌دهیم و نباید تعامل با دیگر اعضای شورای امنیت را تضعیف کنیم." (www2.dw-world.de)

۳- سفر پوتین به ایران: اوج همکاری دو کشور

ملاقات محمود احمدی نژاد در سه مرحله در جریان نشست سران سازمان شانگهای و سپس سفر رئیس‌جمهور روسیه برای نخستین بار پس از حدود چهاردهه، جالب‌ترین اتفاق در روابط دو کشور بود. مقامات روس در سطح وزیر بارها از ایران دیدار کرده بودند، اما رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر روسیه، هرگز از ایران بازدید نکرده بودند. تحلیل‌گران بارها از اهمیت انجام این سفر گفته بودند و برخی بر این باور بودند، بخاطر روابط روسیه با آمریکا کمتر امکان دارد که پوتین به تهران سفر کند. اما در روز سه‌شنبه ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۶، رئیس‌جمهور روسیه برای شرکت در نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر وارد تهران شده و با رهبر انقلاب اسلامی و رئیس‌جمهور ایران دیدار نمود.

در جریان این دیدار روسای جمهوری دو کشور خواستار گسترش همکاری‌ها در بخش نفت و گاز، انرژی هسته‌ای، امور پالایشگاهی، هواپیما سازی، امور بانکی و حمل و نقل شدند. دو طرف بر هماهنگ سازی سیاست تجاری خود در بخش نفت و گاز و حضور روسیه در بهره‌برداری از معدن "پارس جنوبی" تاکید کردند. همچنین، دو طرف اتمام نیروگاه بوشهر را مطابق با جدول زمانی تعیین شده پذیرفتند. توسعه کریدور شمال - جنوب، همکاری‌های کنسولی، حل و فصل مسائل دریای خزر، ایجاد نیروهای نظامی "کاسفور"، همکاری در آسیای مرکزی و قفقاز و توسعه همکاری‌های سازنده در چارچوب سازمان همکاری شانگهای از دیگر توافقات آنها بود.

همچنین روسای جمهوری دو کشور به نزدیکی مواضع ایران و روسیه در حل مشکلات کلیدی بین‌المللی اشاره نمودند. همچنین برای توسعه همکاری‌ها با هدف ایجاد ساختار عادلانه و دموکراتیک در جهان که تامین کننده امنیت جهانی و منطقه‌ای باشد، با وجود

نقش محوری سازمان ملل متحد، ابراز آمادگی و اشاره کردند، تمامی مناقشات و بحران‌های بین‌المللی باید بر اساس قوانین بین‌الملل و با احتساب منافع تمامی طرفین درگیر حل شوند. پوتین و احمدی‌نژاد مخالفت خود را با توسل به زور و تهدید در حل مشکلات را اعلام داشته و خواستار احترام به استقلال و تمامیت ارضی کشورها شدند. ایران و روسیه تروریسم را در تمامی اشکال آن محکوم نموده و در عین حال مخالف مترادف کردن آن با ملت، فرهنگ یا دینی خاص هستند. دو کشور خواستار تحکیم نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم و سایر تهدیدات و چالش‌ها شدند و سرانجام اینکه آنها قول دادند همکاری‌های تنگاتنگی در اجرای استراتژی ضدتروریستی سازمان ملل خواهند داشت.

احمدی‌نژاد روسیه و ایران را متحدان طبیعی دانسته و اظهار داشت: "جمهوری اسلامی ایران محدودیتی برای توسعه روابط با روسیه قائل نیست و به دنبال روابط پایدار، موثر با آن کشور است." (ایرنا، ۲۶ مهر ۱۳۸۶) پوتین نیز در پاسخ به خبرنگاران ایرانی گفت: "من توجه خاصی به تاریخ ایران دارم، چون یک کشور بزرگ و قدرت جهانی است که همیشه در خاورمیانه وجود داشته و از خاور نزدیک تا هند و یک قسمت از شوروی سابق نیز جزو خاک ایران بوده است. ایران مهد تمدن و دین است و می‌دانیم سرچشمه بخشی از فرهنگ ما در اورال روسیه، ایران بوده است. می‌خواهم بگویم تاریخ کشورهای ما ریشه‌های بسیار نزدیک دارد و ما همکاری‌های فرهنگی گسترده و بسیار ژرف داریم و همدیگر را خوب می‌فهمیم." (www.hamsharionline.ir) به هر حال، سفر پوتین به تهران و ملاقات با مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور و نیز شرکت در نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر به صدور بیانیه مشترک همکاری‌های دو کشور و کشورهای ساحلی خزر منجر شد و نشان دهنده شکستن برخی تابوها در روابط دو کشور بود.

با وجود بهبود کامل روابط ایران و روسیه در دو دهه اخیر و تفاوت‌های اساسی با روابط دو کشور در دوره‌های پیشین، اما بسیاری از تحلیل‌گران عقیده دارند که مناسبات دو کشور هنوز به ظرفیت‌های واقعی خود نرسیده و این بیشتر بخاطر برخی مسائل و مشکلات است که به عنوان مانع بر سر راه آنها وجود دارد. هدف ما در این بخش آن است که با بررسی مسائل، مشکلات و موانع موجود بر سر راه بسط روابط دو کشور، ظرفیت‌های موجود و چشم‌انداز آینده آن را بیان و پیشنهادات و راهکارهایی را برای رساندن روابط به ظرفیت‌های واقعی ارائه کنیم.

۴- محدودیت‌ها و فرصت‌ها برای آینده روابط

دگرگونی نظام‌های سیاسی، موقعیت ژئوپلیتیک و منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌المللی، دولت ایران و روسیه را در وضعیت ویژه‌ای برای همکاری قرارداده و دوره‌ای از مناسبات را برای دو کشور در دو دهه کنونی فراهم آورده است. وجود ایران پس از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و روسیه پس از امپراطوری شوروی و نظام کمونیستی و دور از سرزمین ایران، به پیدایش یک منطقه حائل انجامیده که دغدغه‌های مشترکی چون کنترل بحران‌های موجود و روزافزون، حفظ وضع موجود و ثبات منطقه‌ای و سد نفوذ قدرت‌های بزرگ و سایر کشورهای دورتر، دو دولت را به سمت همکاری در موارد متعدد رانده است.

دو دولت همچنین بخاطر مسائل داخلی و مشکلات جداگانه با جهان خارج نیازمند همدیگر شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در دوره سازندگی و تحت فشارها و تحریم‌های غرب و نیز درگیر در مشکلات مربوط به پرونده هسته‌ای و روسیه در دوره "گیجی پس از امپراطوری" و اوضاع نابسامان داخلی و در معرض مداخلات خارجی و پیشروی اروپا و نهادهای غربی به شکل‌های مختلف، به عنوان دو قدرت با نفوذ ویژه در حوزه‌های منطقه‌ای و نقش جهانی، به یکدیگر چون "همکارانی مهم" برای گذار از وضعیت‌های مشکل به فضایی فراتر از هژمونی آمریکا و یکجانبه‌گرایی آمریکا چشم دوخته و به آینده امیدوار شده‌اند. در این میان، مشکلات آمریکا، بدبینی جهانی نسبت به آن و نقش روزافزون قدرت‌های منطقه‌ای در حال ظهور مانند چین، هند و برزیل نیز این وضع را محقق‌شدنی ساخته‌اند.

از این رو، می‌بینیم که عوامل داخلی (بویژه نظام‌های سیاسی)، منطقه‌ای (محیط حائل میان دو کشور) و بین‌المللی (نگرانی جدی نسبت به ساختار شکل‌گرفته در دوران پس از جنگ سرد و بویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) به گسترش پیوندهای ایرانی-روسی کمک کرده و شرایط را برای این همکاری‌های مهم فراهم کرده‌اند. اما در این میان، سه عنصر هویت، ژئوپلیتیک و تهدید بسیار موثر هستند. در واقع این سه مفهوم چون روحی در سطوح سه‌گانه مذکور (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) دمیده شده و فضای همکاری لازم را فراهم ساخته‌اند. ایران انقلابی مستقل و عمل‌گرا و فدراسیون روسیه‌ی بازگشته به مرزهای قرن هفده، قدرتمند و عمل‌گرا در وضعیت ژئوپلیتیک دور از هم و در عین حال نزدیک در حوزه منافع مشترک در منطقه "اوراسیای مرکزی" و در معرض فشارهای آمریکا و اروپا و مدعی

دگرگونی نظام جهانی، چاره کار و سود متقابل را در همکاری و همراهی جسته اند؛ فضایی که در چهارصد سال گذشته منحصر به فرد پنداشته می شود.

اما چرا با وجود چنین بسترهای مهمی، این مناسبات به "اتحاد" ختم نمی شود؟ واقعیت امر آن است که همان عواملی که دست اندرکار پیوندها و همکاری های دو ملت شده اند، در کنار برخی عوامل دیگر، محدودیت هایی را ایجاد می کنند. به بیان ساده، همچنان که هر دو کشوری می توانند در مجموعه ای از مسائل با یکدیگر پیوند بیابند، اما آنها در خلاء نیستند و با کشورهای دیگر نیز مجموعه ای از مسائل را دارند و از سوی دیگر، هویت ها، انگیزه ها، اهداف و ساختارهای سیستمی نیز می توانند مسائل و محدودیت هایی ایجاد کنند.

روسیه به هر حال خود را در اروپا تعریف می کند و برای هویت اروپایی خود در دوره پوتین و مدودف نیز اهمیت زیادی قائل است و حتی محدودسازی یکجانبه گرایی آمریکا را هم بیشتر از طریق قدرت های اروپایی دنبال می کند. روسیه به اندازه غرب از ماهیت انقلابی و اسلامی ایران قدرتمند نگران است که غرب. البته انگیزه همکاری با ایران قوی است، اما این انگیزه با غرب بیشتر است. اهداف این کشور به گونه ای است که طبیعتاً ایران را یکی از کشورهای مهم برای رسیدن به آن می داند و نه همه آنها، از این رو، در اولویت بندی سیاسی خود چه در سال ۲۰۰۰ و چه در ۲۰۰۷ رسماً و صراحتاً از کشورهای مشترک المنافع، اروپا، آمریکا و شرق آسیا به ترتیب اهمیت یاد می کند و ایران در درون اولویت پنجم آن (خاورمیانه) است. ساختارهای داخلی و خارجی روسیه و نیازهای اقتصادی آن و منبع کسب درآمدهای مالی آن نیز همان قدر محدودکننده روابط دو کشور هستند که ساختار نظام بین المللی. حتی در یک نظام بین المللی چند قطبی نیز روسیه خود را شریک غرب می داند و مسائل خود را با آنها حل می کند. به عبارتی، روسیه در باشگاه قدرت های بزرگ خود را می بیند و شانه به شانه آنها زدن برایش تداعی کننده قدرتمندی و جهانی گرایی است و چه در شورای امنیت سازمان ملل متحد و چه در گروه هشت و یا سازمان جهانی بازرگانی، این وضع قابل مشاهده است.

اما جمهوری اسلامی ایران نیز در گسترش همکاری ها محدودیت های مهمی دارد. هویت ایرانی، نقش منطقه ای و جهانی مورد انتظار، استقلال عمل خارجی، محدودیت های قانونی، افکار عمومی و ضرورت تعادل بخشی به پیوندها و مناسبات بین المللی، تهران را به سوی نوعی تعادل و موازنه در ارتباط با مسکو و یا هر کشور دیگری سوق می دهد.

در کنار عوامل پیوند دهنده و محدودیت‌های موجود، مسائل و مشکلاتی نیز در عمل طی سال‌های گذشته در روابط دو کشور و بطور مشخص در دریای خزر و مسائل مربوط به انرژی میان دو کشور وجود داشته است که البته به همت دو طرف از حجم آن کاسته شده است. گاه این مسائل بزرگ نمایی هم شده و بعضاً به زنده شدن خاطرات منفی نیز منجر شده است. از این رو، با وجود بسترهای مناسب برای گسترش همکاری‌ها، اما این وضع به "اتحاد" منجر نشده و نخواهد شد. اما حتی در موقعیت "همکاری‌های مهم" دو کشور، متأسفانه هنوز ظرفیت‌های موجود کامل نشده و دو کشور نتوانسته‌اند مناسبات خود را به سود دو ملت و دست یافتن به مطلوبیت‌های واقعی پیش ببرند. این همکاری‌ها به ویژه در حوزه اقتصادی جای توسعه بیشتر دارد و برای رسیدن به چنین هدفی، پیش از هر چیز ضرورت درک مناسب از موقعیت هر کشور نزد دیگری بسیار اهمیت دارد تا انتظارات با یافته‌های واقعی منطبق شود. درک روشن از وضعیت عینی داخل روسیه و الزامات و پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری و نگاه آنها به جهان خارج و اولویت بندی موضوعی و منطقه‌ای آن و همچنین فهم الزامات ملی، منطقه‌ای و جهانی خود و بویژه نقشی که در پرتو سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران ترسیم شده است و تلاقی و هم‌پوشانی‌های آتی با دولت روسیه در اوراسیای مرکزی می‌تواند به ما کمک کند تا امکان و حدود همکاری‌ها را به خوبی بشناسیم.

اما در این میان، جدا از همه مسائل سیاسی، غیرحساس‌ترین عرصه برای تعامل میان کشورها، اقتصاد و تجارت است و طبعاً بسط همکاری‌های اقتصادی بسیار بیشتر از همکاری‌های سیاسی می‌تواند زمینه را برای پیوندها و مناسب واقعی‌تر، ژرف‌تر و پایدارتر فراهم آورد. چنانچه منافع و سودعینی و مشخص بخش‌های فعال (بویژه بخش خصوصی) دو جامعه به همدیگر گره بخورد، زبان دو کشور و فرهنگ دو کشور می‌تواند به شکلی داوطلبانه و همه گیر شرائطی را به وجود آورد که حتی فراتر از سیاست و حکومت‌ها، دو ملت را به یکدیگر متصل سازد و از این طریق به سیاست و حکومت نیز مدد رساند تا خارج از چارچوب‌های تنگ و بسته اداری و بوروکراتیک به همزیستی، همکاری و تعامل منطقی اندیشیده و دست بیابد.

منابع و مآخذ

۱. صفری مهدی، ساختار و تحولات سیاسی روسیه و روابط با ایران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۲. کولابی الهه، کتاب سبز فدراسیون روسیه، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.
۳. بلانک استفان، "همکاری ایران و روسیه در خزر"، ترجمه دمیرچی مجتبی، ماهنامه ایراس، شماره ۲، تیرماه ۱۳۸۴.
۵. بیستونی آرمان، سفر رئیس جمهوری به روسیه و روابط تهران - مسکو، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، شماره ۱۰، اردیبهشت ۱۳۸۰.
۶. ضیایی پرور حمید، "پادگان خزر"، گزیده تحولات جهان، موسسه ابرار معاصر تهران، شماره ۱۸.
۷. کولابی الهه، "ایران و روسیه در دوران ریاست جمهوری خاتمی"، فصلنامه سیاست خارجی، انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۹، بهار ۱۳۸۴.
۸. لطفیان سعیده، "سیاست روسیه در قبال رژیم عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی: با تأکید بر ایران"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۲.
۹. صفری مهدی، میزگرد مشترک ایران و روسیه، ماهنامه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۹۲، روزنامه نوروز، ۱۷ فروردین ۱۳۸۱.
۱۰. نینا مامدوا، "مناسبات اقتصادی ایران و روسیه"، فصلنامه ایراس، شماره اول، پانز ۱۳۸۵.
۱۱. مرادی منوچهر، "نتایج نشست سازمان همکاری شانگهای در بیشکک"، همشهری دیپلماتیک، شهریورماه ۱۳۸۶.
۱۲. نعمتی زرگران علی باقر، "جایگاه و اهمیت ایران در سیاست خارجی روسیه" در مجموعه مقالات روابط ایران و روسیه، تهران: ایراس، ۱۳۸۷ (در دست چاپ).
۱۳. سامانی نیلوفر، "ایران - روسیه: زمینه‌های امتناع و امکان همکاری‌های نفت و گاز"، میزگرد همکاری انرژی ایران و روسیه در مرکز مطالعات بین‌المللی انرژی، ۲۸ بهمن ۱۳۸۶.
۱۴. محمد کاظم سجادیپور، سخنرانی در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی در دانشگاه تهران ۱۳ تیر ۱۳۷۹.
۱۵. «میزگرد همکاری‌های ایران و روسیه» فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۲، ص ۲۶۲.
۱۶. روزنامه حیات نو، ۷ مهر ۱۳۸۱.
۱۷. کاراگانف سرگی، "ابرقدرتی که دیگر نمی‌خواهد ابرقدرت باشد"، گفتگوی وحیدرضا نعیمی، روزنامه همشهری، ۱۰ اسفند ۱۳۸۲.
۱۸. "نگاهی به روابط ایران و روسیه در سال ۲۰۰۷"، بخش اول، دوم و سوم، مسکو، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶/۱۱/۲۶ (<http://irna.ir>) و (www.irdiplomacy.ir) و (www.tpo.ir)
۱۹. "روسیه شریک جدید اقتصادی ایران" در سایت (www.irna.ir)، "مناسبات بازرگانی ایران و روسیه"، در سایت (<http://moscow.iero.ir>)
۲۰. عباس ملکی، "نظامی‌گری و دریای خزر"، (www.russian.com)
۲۱. گفتگوی مطبوعاتی مهدی صفری با رسانه‌ها، ۱۲ بهمن ۱۳۸۶ (www.tabnak.ir).

22. Ivanov Igor, The New Russian diplomacy (Washington D.C: Brookings, 2002).
22. Maleki Abbas, "Iran and Russia: neighbours without common borders", in Russia and Asia, edited by Gennady chufirin, oxford Uni. Press, 1999.
23. Shaffer Brenda, Patrhers in need: The Strategic Relationship of Russia and Iran, Policy Paper No, 57, The Washington Instiute for Near East Policy, 2001.
24. The foreign Policy Concept, of Russian federation, June 28, 2000
25. A survey of Russian Federation foreign Policy, March, 27, 2007 (www. Mid.ru/ 6.1.2008).
26. Bayman Daniel and Others, Iran's Security Policy After Revolution, Rand, 2001.
27. Eisinstadt Michael, "The Armed Forces of the IRAN" MERIA, vo1.5, NO. 1, March 2001.
28. Blank Stephen, "RUSSO – Iranian Relations", The Moiter 2001, Vol, No. 1.
29. Freeman Robert, "Russian – Iranin Relations in the 1990s", Middle East Review of International Relation, Vol. 4, No. 2- june 2000.
30. Freeman Robert, "Russian Policy Toward the Middle East Under yeltsin and Putin", Jerusalem Letter, No 461, 2 September 2001.
31. Asam Tarock, Iran and Russia in Strategic Alliance" Third World Quaeterly, Vol. 18, No. 2, 1997.
32. <http://Kremlin.ru> (15 July 2006) and www.Cdi.org (27 June 2006).
33. www.Irinn.ir/1386/11/30
34. Jane's Drense Weekly, 21 March 2001.
35. Economist, October, 20, 2007(London), www.aftab.ir/news/ 14 Agust 2006.
36. Iranian – Russian Links ring US alarm bells", Jane's Defence Weekly, 24 jan, 2001.
37. Jean-christopher peuch, " Caspian: Militarization of the sea, myth or reality?" , (<http://www.rfreloorg/nca/2002>).
38. [http:// russiannews.ru/ 1386/12/11](http://russiannews.ru/1386/12/11)
39. www.Irna.ir/13/12/1386
40. <http://pe.rian.ru/1386/11/25>
41. <http://rian.ru/7/12/2007>.
42. [www.dw- world.de/25/12/2007](http://www.dw-world.de/25/12/2007).
43. www.Iran.Ir (October 15, 2007).
44. [www.russiran.com/feb.8, 2008](http://www.russiran.com/feb.8,2008).
45. <http://pe.rian.ru>
46. www2.dw-world.de/Persian/85/12/6.
47. [http://pe.rian.ru\(2007/10/24\)](http://pe.rian.ru(2007/10/24)).
48. [www.hamshahronline.ir\(27.02.2008\)](http://www.hamshahronline.ir(27.02.2008)).
49. [www.russiran.com/october_18, 2007](http://www.russiran.com/october_18,2007).
50. Nezavismaia Gazeta,24 April 2002.
51. Russiskaia Gazeta,31oct,2001.



پڙهه ښکاره علوم انساني و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی